

فهرست

2	شرایط تحقق سفر شرعی
4	حدّ ترخّص
5	مسافت شرعی
7	قصد اقامت
10	احکام وطن و قصد توطن
14	تبعیت در سفر
16	احکام بلاد کبیره
17	کیفیت نماز و روزه در سفر
21	نماز و روزه رانندگان و مانند آن
22	نماز و روزه در سفرهای شغلی
27	نماز و روزه در سفرهای تحصیلی
28	سفر معصیت
29	نماز و روزه در اماکن تخییر
30	شُرکت مسافر در نماز جمعه
31	اعتکاف در سفر
32	مسائل متفرقه

شرایط تحقق سفر شرعی

بر مسافر واجب است نمازهای چهار رکعتی (ظهر، عصر و عشا) را با شرایطی که خواهد آمد شکسته (دو رکعت) بخواند، و نماز صبح و مغرب شکسته نمی‌شود.

نافله‌ها را باید دو رکعت، دو رکعت خواند، مگر نماز وتر را که یک رکعت تنها است. نافله‌ها را می‌تواند نشسته بخواند ولی ایستاده بهتر است. در سفر نافله‌های ظهر و عصر و عشا ساقط است و نباید خوانده شود.

شرایط شکسته خواندن نماز

1. سفر او به مقدار مسافت شرعی باشد یعنی رفتن یا برگشتن و یا رفت و برگشت او روی هم، هشت فرسخ شرعی باشد، مشروط به این که رفتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد.
2. از اول مسافرت قصد پیمودن هشت فرسخ را داشته باشد، بنا بر این اگر از ابتدا قصد پیمودن هشت فرسخ را نداشته و یا قصد پیمودن کمتر از آن را داشته باشد و بعد از رسیدن به مقصد تصمیم بگیرد به جایی برود که فاصله آن با مکان اول کمتر از مسافت شرعی است، ولی از منزل تا آن جا به اندازه مسافت شرعی است، باید نمازش را تمام بخواند.
3. در بین راه از قصد خود مبنی بر پیمودن مسافت شرعی برنگردد، بنا بر این اگر در بین راه، پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد یا مردد شود، حکم سفر بعد از آن بر او جاری نمی‌شود، هرچند نمازهایی که قبل از عدول از قصد خود به صورت شکسته خوانده، صحیح است.
4. قصد قطع سفر در اثنای پیمودن مسافت شرعی با عبور از وطن خود یا جایی که می‌خواهد ده روز یا بیشتر در آن جا بماند، نداشته باشد.
5. سفر از نظر شرعی برای او جایز باشد، بنابر این اگر سفر معصیت و حرام باشد، اعم از این که خود سفر حرام باشد مثل فرار از جنگ یا هدف از سفر، کار حرامی باشد مثل سفر برای راهزنی، حکم سفر را ندارد و نماز تمام است.
6. مسافر از کسانی که خانه به دوش هستند، نباشد مانند بعضی از صحرائشینان که محل زندگی ثابتی ندارند، بلکه در بیابان‌ها گردش می‌کنند و هر جا آب و علف و چراگاه پیدا کنند، می‌مانند.
7. مسافرت را شغل خود قرار نداده باشد مانند باربر، راننده و ملوان و غیره و کسی که شغل او در سفر است، ملحق به این‌هاست.
8. به حد ترخص برسد.

کثیر السفر و حکم آن

س1. تفاوت شخص کثیرالسفر با کسی که به خاطر شغلش مدام در سفر است چیست؟ و کلاً چه زمانی شخصی کثیرالسفر محسوب می‌شود؟

ج) اگر سفر، شغل یا مقدمه شغل نباشد - هرچند کثرت هم داشته باشد - موجب شکسته شدن نماز نمی‌شود. و به طور کلی عنوان کثیرالسفر حکمی ندارد و موضوع حکم شرعی نیست بلکه تمام خواندن نماز و صحت روزه برای کسی است که یا خود سفر شغل او است (مثل راننده و خلبان و مانند آن) و یا برای انجام شغل مسافرت می‌کند (مثل کارمند و کارگری که به اندازه مسافت شرعی برای کارش مسافرت می‌کند)، که این افراد در مبدأ و مقصد و بین راه نمازشان تمام و روزه‌شان صحیح است.

ملاک تحقق سفر شغلی

س2. اگر بنده روزانه از محل سکونت به محل کار که بیشتر از حد ترخص فاصله دارد بروم حکم مسافر دارم یا خیر؟ در این صورت اگر به تهران سفر کنم و از تهران به محل کارم بروم حکم نماز و روزه‌ام چگونه است؟
ج) کسی که از وطن خود برای کار مسافرت می‌کند (حدود 45 کیلومتر با حداقل 5/22 کیلومتر رفت) چنانچه طوری است که در

هر ده روز چند بار یا حداقل یک بار مسافرت می‌کند، چنین شخصی تا زمانی که ده روز در وطن یا جای دیگر اقامت نکرده، نمازش از سفر سوم تمام و روزه‌اش صحیح است و اگر ده روز در جایی اقامت کند، در سفر اول نمازش قصر است؛ و صرف رفتن به بیش از حد ترخص، سفر شرعی صدق نمی‌کند و موجب شکسته شدن نماز و بطلان روزه نیست و رفتن از محل سکونت به تهران اگر برای شغل نباشد، در چنین سفری نماز شکسته و روزه نیز صحیح نمی‌باشد.

س3. کسی که حداقل هر ده روز یک بار سفر شغلی انجام می‌دهد، تا چه مدت آن را ادامه دهد حکم سفر شغلی بر آن مترتب می‌شود؟

ج) میزان، صدق تکرر سفر برای شغل است. همین که کاری که برای آن سفر می‌کند شغل او محسوب باشد ولو شغل دو سه ماهه، و برای آن بدون تخیل اقامت ده روز در یک جا مکرراً مسافرت می‌کند، در سفر سوم نمازش تمام است.

س4. خواهشمند است در مورد سفر برای شغل که فرموده‌اید «در سفر سوم نماز تمام است» بفرمایید: شخصی که مکرراً برای شغلش مسافرت می‌کند اگر ده روز در وطن و یا جای دیگر اقامت کند آیا در این مورد هم در سفر سوم نمازش تمام است و یا اینکه پس از اقامت ده روز فقط در سفر اول نمازش قصر می‌باشد؟
ج) در صورت اقامت ده روز در یک محل در بین سفرهای شغلی فقط در سفر اول بعد از اقامت ده روز نمازش قصر است.

س5. آیا در سفر شغلی که نماز تمام است لازم است در هر ده روز حداقل یک بار به محل کارش سفر کند یا همین که در یک مکان ده روز نماند کافی است؟

ج) ملاک این است که بین دو سفر شغلی ده روز در جایی اقامت نکند هر چند فاصله بین دو سفر شغلی بیش از ده روز باشد.

س6. قصد سفر شغلی چهار ماهه به خارج از شهر دارم، به طوری که در بین آن از جایی به جای دیگر - که بیش از مسافت شرعی فاصله دارند - منتقل می‌شوم؛ در صورتی که کمتر از ده روز در یک مکان توقف داشته باشم، وظیفه من نسبت به نماز چیست؟
ج) اگر عرفاً صدق کند که این سفر شغل یا برای شغل است (یعنی در خلال ده روز این سفرها متعدد انجام گرفته و سفر دوم از مقصد سفر اول برای مقصد دیگر و از آن جا نیز به جاهای دیگر باشد و هكذا)، در این صورت در سفر اول و دوم نماز شکسته، و از سفر سوم به بعد نماز کامل است. ولی اگر تمام این سفرها تا زمانی که به وطن یا محل سکونت برمی‌گردید، یک سفر به حساب آید، در تمام طول سفر باید نماز را شکسته بخوانید.

قاطع سفر

س7. آیا محل کار اگر در فاصله کمتر از مسافت شرعی باشد، قاطع سفر در روز کار یا در روز تعطیلی است؟

ج) قاطع سفر در حقیقت وطن انسان و از نظر حکمی محل اقامت (ده روز) است؛ و محل کار نه وطن است و نه محل اقامت؛ لذا اگر به آن جا سفری انجام گیرد، قاطع سفر نخواهد بود.

س8. اگر مسافر بعد از خروج از وطن، از راهی عبور کند که صدای اذان وطن اصلی خود را بشنود و یا دیوار خانه های آن را ببیند، آیا به مسافت شرعی ضرر می‌رساند؟

ج) تا از وطن خود عبور نکرده، ضرری به مسافت شرعی نمی‌رساند و مسافرتش قطع نمی‌شود، ولی تا در داخل محدوده بین وطن و حد ترخص آن هست، حکم مسافر بر او جاری نمی‌شود.

حدّ ترخص

ملاک حدّ ترخص

س9. معیار حدّ ترخص شنیدن اذان و دیدن دیوارهای شهر است، آیا یکی از آن دو کافی است یا این که باید هر دو با هم وجود داشته باشند؟

ج) احوط، رعایت هر دو علامت است، هرچند بعید نیست که شنیده نشدن اذان برای تعیین حدّ ترخص کافی باشد.

س10. آیا معیار حدّ ترخص شنیدن صدای اذان از خانه های طرفی است که مسافر از آن طرف شهر خارج یا داخل آن می شود، یا این که معیار اذان وسط شهر است؟

ج) معیار، شنیدن اذان آخر شهر از طرفی است که مسافر از آن خارج و یا داخل آن می شود.

س11. در این جا بین اهالی یکی از نواحی راجع به مسافت شرعی اختلاف وجود دارد. عده ای می گویند که دیوارهای آخرین خانه های منطقه که به هم متصل هستند، ملاک است. عده ای هم معتقدند که باید مسافت را از کارخانه ها و شهرک های پراکنده ای که بعد از خانه های شهر واقع شده است، محاسبه کرد، سؤال این است که آخر شهر کجاست؟

ج) تعیین آخر شهر موکول به نظر عرف است. اگر در نظر عرف کارخانه ها و شهرک های پراکنده اطراف شهر جزو شهر نباشد، مسافت را از آخر خانه های شهر باید حساب نمود.

حدّ ترخص در آبادی های متصل به هم

س12. در يك قصبه یا روستای بزرگ تقریباً شش ده کوچک در طول هم قرار دارند و همگی يك قصبه محسوب می شوند. آیا حدّ ترخص برای شخص مسافری که می خواهد به هشت فرسخی سفر کند، آخرین حدود ده بالاست یا ششمین ده و در صورتی که آخرین حدود ده بالا به عنوان حدّ ترخص معین شد در موقع برگشت، اگر مجبور شود شب را در ششمین ده بیتوته کند و به ده خودش نرسد آیا باید نمازش را قصر بخواند یا تمام؟

ج) اگر عرفاً چند محل مجزا محسوب می شوند، حدّ ترخص برای هر محل مجزا محسوب می شود.

س13. گاهی فاصله بین بعضی از شهرها (یعنی فاصله تابلوهای خروجی شهری و ورودی شهر دیگر) بسیار اندک بوده و به صد متر نمی رسد، حتی بعضی از خانه ها و خیابان های دو شهر کاملاً به هم متصل هستند، حدّ ترخص این موارد چگونه است؟

ج) با فرض اتصال یکی از دو شهر به دیگری به نحوی که در سؤال آمده است، آن دو، حکم دو محله یک شهر را دارند که خروج از یکی به دیگری مسافرت محسوب نمی شود تا نیاز به حدّ ترخص باشد.

خروج مکرر از حدّ ترخص

س14. يك روز قبل از ماه مبارك رمضان در منزلی کنار دریای خزر برای مدت 20 روز قصد اقامه نمودیم. فاصله منزل تا اولین روستا که آن روستا به خانه ها و مغازه های شهر بابلسر تقریباً وصل می شد دو کیلومتر بود. از ابتدا قصدمان این بود که برای خرید روزانه و نماز ظهر و عصر هر روز قبل از اذان ظهر به شهر برویم و می رفتیم. تمام این مدت را روزه گرفته و نمازها را چه در شهر و چه در منزل تمام خوانده ایم. آیا تکلیف مان را درست انجام داده ایم؟

ج) در صورتی که شهر خارج از حدّ ترخص محل اقامت شما بوده و مجموع ایاب و ذهاب شما در تمام ده روز بیشتر از هفت ساعت بوده، حکم مسافر را داشته اید و باید نمازها را شکسته خوانده و روزه نمی گرفتید و در صورت تخلف از وظیفه در فرض سؤال احتیاط این است که قضای آنها را به جا آورید.

مسافت شرعی

حد مسافت شرعی

س15. ابتدای مسافت شرعی کجاست؟ آیا از محله‌ای است که انسان در آن جا ساکن است یا از آخر شهر و روستا؟ و پایان مسافت شرعی کجاست؟ آیا ابتدای شهر است یا مکان و مقصد داخل شهر؟

ج) نسبت به شهر مبدأ از آخر شهر محاسبه می‌شود و نسبت به مقصد هم اگر برای نقطه خاصی سفر نکرده بلکه مقصود او خود شهر است، اول شهر ملاک است اما اگر نقطه خاصی مد نظر است - مثلاً دوستی او را به منزل یا باغی که در داخل همان شهر است دعوت کرده - در محاسبه مسافت، همان نقطه باید در نظر گرفته شود.

س16. با توجه به فتوای امام خمینی (ره) مبنی بر وجوب قصر نماز و افطار هنگام سفر به هشت فرسخی، اگر مقدار رفتن کمتر از چهار فرسخ باشد، ولی در بازگشت، به علت مشکلات راه و نبودن ماشین، مجبور به پیمودن مسافتی بیش از شش فرسخ شود، آیا باید نماز را شکسته خواند و روزه را افطار کرد؟

ج) اگر رفتن کمتر از چهار فرسخ باشد و مسیر بازگشت هم به مقدار مسافت شرعی نباشد، نماز تمام و روزه صحیح است.

س17. من از اهالی اصفهان هستم و مدتی است که در دانشگاهی در شاهین شهر که از توابع اصفهان است مشغول به کارم، و فاصله بین اصفهان و شاهین شهر کمتر از مسافت شرعی (در حدود بیست کیلومتر) است، ولی تا دانشگاه که در اطراف شاهین شهر واقع شده، بیشتر از مسافت شرعی (در حدود بیست و پنج کیلومتر) است. با توجه به این که دانشگاه در شاهین شهر است و راه من از وسط شهر عبور می‌کند، ولی مقصد اصلی من دانشگاه است، آیا مسافر محسوب می‌شوم یا خیر؟

ج) اگر فاصله بین اصفهان و دانشگاه بیشتر از چهار فرسخ شرعی باشد حکم سفر مترتب می‌شود.

س18. اگر شخصی برای چندین سال در چهار کیلومتری وطنش باشد و هر هفته به خانه اش برود، هنگامی که این شخص به محلی مسافرت کند که فاصله آن با وطنش بیست و پنج کیلومتر و با مکانی که چندین سال در آن درس خوانده است، بیست و دو کیلومتر است، نماز او چه حکمی دارد؟

ج) اگر از وطنش به آن جا مسافرت کند، نماز قصر است.

محاسبه مسافت شرعی

س19. تقریباً پایان هر هفته، همسر و دو دخترم را برای تحصیل به مدرسه‌ای در خارج از لندن می‌برم؛ وطن من داخل لندن است؛ از خانه تا محدوده شهر لندن 7/5 مایل [تقریباً 12 کیلومتر] است، ولی قبل از خارج شدن از محدوده شهر 13/5 مایل دیگر دور شهر می‌گردیم و سپس از محدوده شهر خارج می‌شویم، بعد از آن 4/5 مایل باید به سمت مقصد برویم و لذا از خانه تا محل مدرسه 25/5 مایل مسیر دارد. آیا نماز من در آن جا قصر است و یا باید احتیاطاً هم قصر و هم کامل بخوانم؟

ج) حرکت در داخل شهر لندن و یا خارج شهر در داخل محدوده ما بین شهر و حد ترخیص آن، جزو مسافت حساب نمی‌شود و مسافت 4/5 مایل از محدوده شهر تا مقصد، مقدار مسافت شرعی نیست؛ بنابراین نماز شما تمام است.

س20. کسی که از محل سکونت خود به محل دیگری که کمتر از مسافت شرعی است، سفر کند و در خلال ایام هفته چندین بار از آن محل به محله‌های دیگر برود، به طوری که مجموع مسافت بیش از هشت فرسخ شود، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج) اگر هنگام خارج شدن از منزل قصد پیمودن مسافت شرعی را نداشته و فاصله بین مقصد اول و محله‌های دیگر هم به مقدار مسافت شرعی نباشد، حکم مسافر را ندارد.

س21. چه مقدار مسافتی را شخص در داخل شهر (محل زندگی) خود باید طی کند تا موجب افطار روزه شود؟

ج) رفت و آمد داخل شهر - هرچند خیلی بزرگ باشد - سفر شرعی محسوب نمی‌شود که موجب شکسته شدن نماز و افطار روزه شود. سفری که حکم مزبور بر آن مترتب است، سفر از شهری به شهر دیگر است، در صورتی که مسافت آن به مقدار هشت فرسخ (45 کیلومتر) هرچند به صورت رفت و برگشت باشد البته رفت آن نباید کمتر از 22/5 کیلومتر باشد.

خروج از مسیر اصلی سفر

س22. مسافری قصد رفتن به سه فرسخی را دارد، ولی از ابتدا در نظر دارد که در بین راه از راه فرعی برای انجام کار معینی به یک فرسخی برود و سپس به مسیر اصلی برگشته و به سفر خود ادامه دهد، نماز و روزه این مسافر چه حکمی دارد؟

ج) حکم مسافر را ندارد و ضمیمه کردن مقدار راهی که با خروج از مسیر اصلی و بازگشت به آن پیموده، برای تکمیل مسافت شرعی کافی نیست.

س23. اگر انسان به قصد رفتن به مکان معینی از شهر خود خارج شود و در آن جا به گردش بپردازد، آیا این گردش جزو مسافتی که از منزل پیموده، محسوب می‌شود؟

شود؟

ج) گردش در مقصد جزو مسافت محسوب نمی شود.

س24. با توجه به این که رفت و آمد از محل سکونت به محل کار که بیشتر از بیست و چهار کیلومتر از هم فاصله دارند، موجب می شود که نماز تمام خوانده شود، اگر من از شهری که در آن کار می کنم به خارج از آن و یا شهر دیگری که فاصله آن با محل کارم به مقدار مسافت شرعی نیست، بروم و قبل از ظهر یا بعد از ظهر به محل کارم برگردم، آیا باز هم نمازم تمام است؟

ج) به مجرد خارج شدن از محل کار به مقدار کمتر از مسافت شرعی، هرچند ارتباطی با کار روزانه شما نداشته باشد، حکم نماز و روزه شما در محل کار تغییر نمی کند، و فرقی هم نمی کند که قبل از ظهر به محل کارتان برگردید یا بعد از ظهر.

قصد اقامت

مفهوم قصد اقامت

س25. با توجه به اینکه بنده مقلد حضرتعالی می‌باشم، در مورد «قصد ده روز مسافر در جایی» آیا مدت زمان حساب اقامت در آن جا از نظر حضرتعالی ده شبانه‌روز کامل است یا فقط ده روز کامل هرچند شب‌ها از ده شب کمتر باشد؟

ج) قصد ده روز کامل از اذان صبح روز اول تا غروب روز دهم کافی است و اگر از بین روز شروع کند تا همان ساعت از روز یازدهم باید بماند.

س26. در قصد اقامت ده روز، ابتدای روز از چه موقع مورد نظر حضرتعالی است؛ اذان صبح یا طلوع آفتاب؟

ج) روز از اذان صبح شروع می‌شود.

شرائط تحقق قصد اقامت

س27. برای قصد ده روز کردن آیا باید داخل شهر که رسیدیم قصد کنیم یا در مسیر رفتن به شهر هم می‌توانیم نیت ده روز کنیم؟

ج) بعد از رسیدن به شهر یا هر محلی اگر می‌دانید که ده روز یا بیشتر آنجا هستید، نماز تمام و روزه صحیح است.

س28. شخصی نیت نماز شکسته می‌کند، ولی در نماز قصد اقامت ده روز می‌کند، حال حکم این نماز و نمازهای دیگر این شخص چیست؟

ج) اگر مسافر به نیت این که نماز را شکسته بخواند مشغول نماز شود و در بین نماز تصمیم بگیرد که ده روز یا بیشتر بماند باید نماز را چهار رکعتی تمام نماید.

س29. اگر فردی برای زیارت حرم امام رضا (علیه‌الصلوة والسلام) مسافرت نماید و با آن که می‌داند کمتر از ده روز در آن جا خواهد ماند ولی برای این که نمازش تمام باشد، قصد اقامت ده روز می‌کند، این کار او چه حکمی دارد؟

ج) اگر می‌داند که در آن جا ده روز نمی‌ماند، قصد اقامت ده روز معنا و اثری ندارد و باید در آن جا نمازش را شکسته بخواند.

س30. اگر کسی نیت ده روز کرد ولی مطمئن نیست که ده روز می‌ماند یا نه و نماز خود را کامل بخواند، اگر مدت بقیایش ده روز نشود، آیا نمازهایش صحیح است؟

ج) موقع نیت اقامت ده روز نباید تردید داشته باشد؛ چنانچه با عزم و اراده قصد اقامت ده روز کند و یک نماز چهار رکعتی بخواند اگر اتفاقاً پیش‌آمد که نتوانست بماند، هرچند روز بماند نماز تمام است یعنی قصد او تحقق پیدا کرده است.

س31. اگر به مشهد مسافرت کنیم و پانزده روز در آن جا بمانیم؛ ولی در طی این مدت به جاهای مختلفی از جمله نیشابور، باغ وحش، پارکها و بازارهای داخل مشهد و شاننیز هم سری بزنیم. آیا نماز ما در این مدت شکسته است یا تمام؟

ج) اگر قصد اقامت ده روزه کنید و از ابتدا قصد خروج از محل اقامت را نداشته باشید، با خواندن حداقل یک نماز چهار رکعتی در آن جا، نمازتان تمام است و پس از آن خارج شدن از محل اقامت به مقدار کمتر از مسافت شرعی به قصد اقامت ضرر نمی‌رساند؛ لکن اگر هنگام قصد اقامت تصمیم به خارج شدن کمتر از مسافت شرعی به میزان بیشتر از شش یا هفت ساعت (در مجموع ده روز) داشته باشید، قصد اقامت صحیح نیست. هم چنان که در صورت اول اگر به مقدار مسافت شرعی یا بیشتر سفری پیش آمد، اقامت به هم می‌خورد و زمانی که به محل اقامت برگشتید اگر قصد اقامت جدید نکنید، باید نمازها را شکسته بخوانید.

احکام قصد اقامت

س32. فردی از محل اقامتش به مقدار مسافت شرعی مسافرت کرده، سپس به همان محل برگشته و طبق عادت همیشگی - بدون توجه به قصد اقامت مجدد - نمازهایش را کامل خوانده، حکم نمازش چیست؟ و اگر امام جماعت باشد، آیا باید به مأمومین خبر دهد؟

ج) اگر در خارج از وقت نماز متوجه شد، اعاده نماز واجب نیست، در غیر این صورت اعاده واجب است؛ و اگر امام جماعت باشد، واجب نیست به مأمومین خبر دهد.

س33. اگر کسی قصد اقامت 10 روز در جایی را نداشته باشد، مثلاً احتمال می‌دهد که 5 روز بعد به مسافرت برود، اما این احتمال را فراموش نماید و قصد 10 روز نماید، و دو روز بعد یادش بیاید. در این صورت آیا باید نمازهایش را شکسته بخواند یا کامل؟ و اگر وظیفه‌اش قصر است، آیا باید نمازهای خوانده شده دو روز قبل را قضا نماید؟

ج) اگر در حین قصد ده روز، قصد جدی اقامت ده روز در آن مکان را داشته است، حکم اقامت مترتب است.

س34. کسی که در سفرش بین اقامت ده روز و کمتر مردد است، حکم نماز چیست؟

(ج) حکم سایر مسافرین را دارد که واجب است نماز را شکسته بخواند.

س35. کسی قصد ده روز کرده است و یک نماز چهار رکعتی قضا خوانده است. آیا قصد اقامت ده روز وی محقق شده است که در صورت انصراف ناگهانی از اقامت ده روز، همچنان تا زمان حضور، نمازها را تمام بخواند؟

(ج) در فرض مرقوم قصد اقامت ده روز محقق نشده و نماز او شکسته است.

س36. همان طور که مستحضرید چند سالی است که شرکت های ایرانی در زمینه فعالیت های نفت و گاز در دریا فعال شده اند که تعدادی شناور دارند و در کنار سکوها قرار گرفته و فعالیتی را انجام می دهند یا در نقطه ای در حال نصب یک سکو بوده و یا در حال لوله گذاری در بستر دریا هستند که در مورد آخر سرعت شناورهای ایرانی بسته به اندازه لوله متفاوت است که شاید بتوان گفت در 24 ساعت حداکثر 3 کیلومتر حرکت می کنند و در زمان نصب سکو هم گاهی بیشتر از 10 روز در یک مکان توقف می کنند. حال سؤال این است که حکم نماز و روزه افراد شاغل در شناورها به چه صورت است و آیا شخص می تواند شناور را مانند خشکی فرض نماید و آن را موطن خود قرار دهد یا خیر؟ مجدداً لازم بذکر است این شناورها با کشتی های باربری و تجاری فرق دارند چرا که کشتی های معمولی مدام در حال دریانوردی هستند.

(ج) هر وقت در یک جا توقف کنید و بدانید ده روز می مانید، می توانید قصد ده روز کنید و نماز را تمام بخوانید و ملاک قصد اقامت در یک منطقه به نظر عرف است.

س37. کسی که در دو مکان تبلیغ می کند و قصد اقامت ده روز هم در آن منطقه دارد، نماز و روزه اش چه حکمی دارد؟

(ج) اگر از نظر عرف دو مکان محسوب شوند، قصد اقامت در هر دو محل و یا در یکی از آن دو با قصد رفت و آمد به مکان دیگر در خلال ده روز، صحیح نیست.

س38. عرفات (شرفها الله تعالی) در اثر توسعه شهر مکه قطعاً کمتر از مسافت شرعی است. به نظر حضرتعالی کسانی که در مکه معظمه قصد اقامت عشره کرده و سپس عازم عرفات می شوند نمازشان قصر است یا تمام؟

(ج) اگر قصد اقامت تمام ده روز را در خود مکه معظمه نموده پس از تحقق اقامت در مکه با رفتن به عرفات مسافر نمی شود.

تردید در قصد اقامت ده روز

س39. آیا هنگام قصد اقامت، جایز است نیت خروج از محل اقامت به محل دیگری را که کمتر از چهار فرسخ با آن فاصله دارد بنمائیم؟

(ج) قصد خروج از محل اقامت به اندازه کمتر از مسافت شرعی اگر به صدق اقامت ده روز ضرر نرزد مثل بیرون رفتن از آن جا به مدت چند ساعت از روز یا شب برای یک بار یا چند بار به شرطی که مجموع ساعات خروج از شش، هفت ساعت بیشتر نشود، در این صورت، قصد خروج به قصد اقامت لطمه نمی زند.

س40. آیا قصد خروج کمتر از مسافت شرعی در اثناء اقامت، به صحت قصد اقامت ضرر می زند؟

(ج) قصد خروج در اثناء اقامه عشره، در یک محل تا کمتر از مسافت شرعی به قدر شش یا هفت ساعت در مجموع دفعات خروج، مضرّ به صحت قصد اقامت نیست.

س41. محل کار من که در آن جا سکونت هم دارم، غیر از وطن اصلی ام است و با آن بیش از مسافت شرعی فاصله دارد، و محل کارم را هم وطن خود قرار نداده ام و امکان دارد فقط برای چندین سال در آن جا بمانم. گاهی از آن جا برای انجام مأموریت اداری به مدت دو یا سه روز در ماه خارج می شوم، آیا هنگامی که از شهری که در آن سکونت دارم به مقداری بیش از مسافت شرعی خارج شده و بر می گردم، واجب است در بازگشت قصد اقامت ده روز کنم یا خیر؟ و اگر قصد اقامت ده روز واجب است، تا چه مسافتی می توانم به اطراف شهر بروم؟

(ج) اگر از شهری که در آن سکونت دارید، به مقدار مسافت شرعی خارج شوید، هنگام مراجعت باید دوباره قصد اقامت ده روز نمایید، و در صورتی که قصد اقامت ده روز به طور صحیح تحقق پیدا کرد و حکم تمام خواندن نماز - هر چند با خواندن حداقل یک نماز چهار رکعتی - محقق شد، خروج به کمتر از مسافت شرعی ضرری به حکم اقامت نمی زند، همچنان که در خلال ده روز قصد خروج به باغ ها و مزرعه های محل اقامت، به قصد اقامت آسیبی نمی رساند.

خروج از محل اقامت ده روز

س42. شخصی قصد اقامت ده روز در جایی کرده است، به خاطر این که می دانسته که ده روز در آن جا می ماند و یا تصمیم بر ماندن داشته است ولی بعد از آن که با خواندن یک نماز چهار رکعتی، حکم تمام خواندن نماز بر او مترتب شد، مسافرتی غیر ضروری برای وی پیش می آید، آیا رفتن به آن سفر برای او جایز است؟

(ج) سفر او اشکال ندارد، هر چند غیر ضروری باشد.

س43. من در جایی کار می کنم که کمتر از مسافت شرعی با شهر مجاور فاصله دارد و چون هیچ یک از دو مکان، وطن من نیست، لذا در محل کارم قصد اقامت ده روز می کنم تا نمازم را تمام خوانده و بتوانم روزه بگیرم، و هنگامی که در محل کارم قصد اقامت ده روز می کنم، در خلال آن مدت و بعد از آن قصد رفتن به شهر مجاور نمی کنم، حکم شرعی من در حالت های زیر چیست؟

1. اگر قبل از پایان ده روز به خاطر حادثه ای یا کاری به آن شهر بروم و بعد از تقریباً دو ساعت، به محل کارم برگردم؟

2. اگر بعد از پایان ده روز به قصد رفتن به محله معینی به آن شهر بروم و از مقدار مسافت شرعی تجاوز نکنم و بعد از یک شب توقف، به محل اقامتم برگردم؟

3. بعد از پایان ده روز به قصد رفتن به محله معینی به آن شهر بروم، ولی بعد از رسیدن به آن محله، تصمیم به رفتن به محله دیگری که با محل اقامت من بیشتر از مسافت شرعی فاصله دارد، بگیرم؟

ج1 و 2: اگر از ابتدا، قصد خروج نداشته باشید، بعد از استقرار حکم تمام بودن نماز در محل اقامت هرچند با خواندن حداقل یک نماز چهار رکعتی در آن جا باشد، خارج شدن از آن جا به مقدار کمتر از مسافت شرعی، در یک یا چند روز، به قصد اقامت ضرر نمی رساند، و در این صورت فرقی نمی کند که خروج قبل از پایان ده روز باشد یا بعد از آن، و تا مسافت جدیدی انجام نشده، نماز تمام و روزه صحیح است.

ج3: رفتن به محله های دیگر شهر محل اقامت، هرچند با محله قصد اقامت به مقدار مسافت شرعی فاصله داشته باشد، به قصد اقامت و حکم آن ضرر نمی رساند، ولی اگر پس از قصد اقامت در شهری به شهر دیگری که با شهر محل اقامت به مقدار مسافت شرعی فاصله دارد برود، قصد اقامت قبلی وی به هم می خورد و بعد از برگشت به محل اقامت، باید دوباره قصد نماید.

س44: آیا می توانم از شهری که در آن دانشجو هستم، بعد از اذان ظهر به وطنم که شصت کیلومتر فاصله دارد بروم و قبل اذان صبح دوباره به محل تحصیلم بازگردم؟ آیا در این فرض روزه من صحیح می باشد؟

ج) در فرض سؤال، روزه آن روز صحیح است ولی بعد از رجوع باید قصد اقامت ده روز نمایید تا روزه های بعدی شما صحیح باشد.

س45:

س46: اگر کسی با تردید سی روز کامل در جایی بماند (هنگام اذان صبح روز اول وارد محل اقامت شده است) آیا نماز شام سی ام را باید تمام بخواند یا شکسته؟

ج) در فرض سؤال بعد از گذشتن سی روز، اگرچه مقدار کمی در آن مکان بماند، باید نماز را تمام بخواند.

احکام وطن و قصد توطن

وطن اصلی و جدید

س47. خواهشمندم در مورد حکم مسأله‌ی وطن اصلی و اتخاذی (جدید) توضیح بفرمایید.

ج) به‌طور کلی شخصی که در محلی به دنیا آمده و در آن‌جا رشد و نمو کرده است آن‌جا وطن او محسوب می‌شود و تا وقتی که از آن مکان اعراض ننموده، حکم وطن باقی است و همچنین کسی که به جایی غیر از وطن اصلی خود رفته و قصد زندگی دائمی هر چند برای بخشی از سال در آن‌جا نموده و با این قصد مدتی که عرفاً آن محل را وطن او بدانند، در آن مکان زندگی کرد، آن‌جا وطن او محسوب می‌شود و نیز اگر بدون قصد، آن‌قدر بماند که عرفاً آن‌جا را وطن او بدانند، حکم وطن مترتب می‌شود. همچنین اگر کسی بنا دارد به مدت مثلاً هفت، هشت سال در جایی زندگی کند آن‌جا نیز وطن او محسوب می‌شود.

س48. آیا محل تولد شخص هرچند در آن‌جا ساکن نباشد، وطن او محسوب می‌شود؟

ج) اگر در آن‌جا مدتی مانده و رشد و نمو کرده باشد، تا از آن اعراض نکرده است، حکم وطن را دارد و در غیر این صورت حکم وطن ندارد.

س49. دانشجویی خانه ای را در شهر تبریز برای تحصیل در دانشگاه آن به مدت چهار سال اجاره کرده است، همچنین وی در صورت امکان، قصد ماندن دائمی در تبریز را دارد، در حال حاضر در ایام ماه مبارک رمضان گاهی به وطن اصلی اش رفت و آمد می‌کند، آیا آن دو مکان، برای او دو وطن محسوب می‌شوند؟

ج) اگر در حال حاضر قصد قطعی بر توطن در محل تحصیل نداشته باشد، آن‌جا حکم وطن را برای او نخواهد داشت. ولی حکم وطن بودن وطن اصلی او تا زمانی که از آن اعراض نکرده، نسبت به وی باقی است.

س50. خانواده‌هایی که از وطن اصلی هجرت کرده‌اند حکم نماز و روزه فرزندان آنها با توجه به فرضیات زیر چگونه است؟

الف: وطن اصلی پدر و مادر یزد است ولی از آن اعراض نکرده‌اند، ولی برای مدتی زیاد (20 سال) در قم سکنی گزیده‌اند برخی از فرزندان متولد یزد و برخی متولد قم هستند ولی همه در قم بزرگ شده‌اند و سالی یک ماه گاهی 3 ماه به همراه پدر و مادر به یزد رفته‌اند و بقیه‌ی سال را قم بوده‌اند، آیا نماز و روزه‌ی فرزندان در قم و یزد هنگامی که قصد عشره ندارند شکسته است یا کامل؟

ب: در صورتی که پدر و مادر در قم قصد توطن نکرده باشند و به قدری نمانده باشند که عرفاً اهل قم محسوب شوند حکم فرزندان آنها که بزرگ شده‌ی قم هستند چگونه است؟ و پدر و مادر چند سال که بمانند وطن‌شان محسوب می‌شود؟
ج) اگر فرزند طبق نظر پدر - که مقلد مرجع دیگری است - عمل کرده و نمازش را در یزد تمام خوانده و روزه گرفته است ولی خود فرزند مقلد مقام معظم رهبری (دام ظلّه) بوده است آیا باید نمازهایی را که در یزد خوانده و روزه‌هایی که گرفته را قضا کند یا خیر؟

د: برای اینکه مکانی وطن (اتخاذی) کسی محسوب شود چه شرایطی لازم است؟

جواب: الف: وطن اصلی پدر و مادر، وطن فرزند او حساب نمی‌شود، مگر آن که خود فرزند در آنجا متولد و نشو و نما نموده باشد، و یا بعد از بلوغ آنجا را وطن برای خود اتخاذ کرده باشد.

ب: فرزندان اگر در قم متولد و در آنجا نشو و نما نموده‌اند آنجا وطن اصلی ایشان محسوب است و پدر و مادر اگر قصد زندگی در قم ندارند، آنجا وطنشان محسوب نیست، مگر آنکه مدت زیادی بمانند که در نظر عرف اهل آنجا محسوب شوند.

ج: اگر نماز را در آنجا به جهت جهل به خصوصیات سفر تمام خوانده بنابر احتیاط قضا و اعاده دارد.

د: در وطن اتخاذی، باید یا در ابتدا قصد زندگی دائم یا زندگی معتنا به (هفت، هشت سال) در آنجا داشته باشد، و یا مدت زیادی در آنجا بماند که عرفاً آنجا وطن او محسوب شود.

س51. آیا حومه شهر، جزو شهر محسوب می‌شود؟ در شهری به دنیا آمده و در آنجا بزرگ شدم؛ سپس در هفت سالگی به حومه شهر منتقل شده و قبل از این که به شهر دیگری سفر کنم در آنجا ده سال زندگی کردم، و آنجا را وطن خودم به حساب می‌آورم و از آن اعراض هم نکرده‌ام. آیا هم‌چنان آنجا وطنم محسوب می‌شود؟
(ج) اگر آنجا عرفاً از توابع شهر یا از باغات و مزارع شهر به حساب آید، پس جزئی از شهر است؛ و مادامی که از آنجا اعراض نکرده باشید، احکام وطن بر آن مترتب است.

س52. جایی که به دنیا آمده‌ام و در همانجا رشد کرده‌ام، محل سکونت پدر و مادرم بوده است (وطن آنها نبوده)، آیا آنجا - مادامی که از آنجا اعراض نکرده‌ام - وطن من می‌باشد؟
(ج) آنجا وطن شما محسوب می‌شود.

س53. من در شهر کرمانشاه به دنیا آمده‌ام و شش سال است که در تهران ساکن هستم و بدون این که از وطن اصلی خود اعراض کرده باشم، قصد توطن در تهران کرده‌ام. اگر در هر یک یا دو سال از منطقه ای به منطقه دیگری از مناطق تهران منتقل شوم، نماز و روزه ام در آنجا چه حکمی دارد؟ و چون بیشتر از شش ماه است که در منطقه جدیدی از تهران ساکن هستیم، آیا آنجا برای ما حکم وطن را دارد یا خیر؟ هنگامی که در طول روز به مناطق مختلف تهران رفت و آمد می‌کنیم، نماز و روزه ما چه حکمی دارد؟

(ج) اگر در تهران فعلی و یا محله ای از آن قصد توطن نموده‌اید، سراسر آنجا وطن شما محسوب می‌شود، و در تمامی محله های تهران حکم وطن بر شما جاری است و نمازتان تمام و روزه شما صحیح است و تردد شما در تهران فعلی حکم سفر را ندارد.

ملاک تحقق وطن اصلی

س54. اگر جایی محل تولد و وطن پدرش باشد، و شخص هم نیت کرده که در آینده در آن مکان دفن شود، ولی به‌طور منظم به آنجا نمی‌رود. آیا آن محل وطن او به حساب می‌آید؟
(ج) صرف وطن پدر بودن، مستلزم آن نیست که وطن فرزند هم به حساب آید.

س55. معتقد بودم که وطن اصلی من همان وطن پدر و مادرم می‌باشد، نه محل تولدم که هشت سال در آنجا زندگی کردم. آیا می‌توانم محل تولدم را وطن اصلی‌ام قرار دهم؟ در حالی که بعد از خارج شدن از محل تولدم جهت سکونت در شهر دیگری، هر وقت گذرم به محل تولد افتاده نمازم را در آنجا شکسته خوانده‌ام.

(ج) وطن اصلی‌تان که در آنجا متولد شده و نشو و نما کرده‌اید، وطن‌بودنش از بین نمی‌رود مگر این که از آنجا اعراض کرده باشید. بنابراین نمازتان در آنجا تمام است، نه شکسته. و لزومی ندارد که در آنجا قصد وطن کنید، بلکه به‌طور قهری حاصل شده است؛ و نمازهایی را که بر خلاف وظیفه‌تان خوانده‌اید، باید قضا کنید.

س56. اگر زایشگاه خارج از وطن پدر باشد و مادر ناچار باشد که چند روزی برای وضع حمل به زایشگاه منتقل شود و بعد از تولد فرزند برگردد، وطن این طفل کجاست؟

(ج) اگر زایشگاه در وطن پدر و مادر که در آن زندگی می‌کنند قرار داشته باشد، همانجا وطن اصلی کودک هم خواهد بود، مشروط به این که در آنجا رشد و نمو هم داشته باشد؛ در غیر این صورت مجرد تولد در شهری باعث نمی‌شود که آنجا وطن او شود، بلکه وطن وی همان وطن پدر و مادر است که بعد از تولد به آنجا برده شده و با آنجا زندگی می‌کند.

ملاک تحقق وطن جدید

س57. کسی که می‌خواهد سالیانی در مکانی بماند، تا چه مدتی بنای ماندن آنجا را داشته باشد، حکم وطن را دارد، و آیا بین ماندن در آنجا به قصد زندگی یا برای کار یا هر دو، تفاوتی وجود دارد؟
(ج) اگر بنای زندگی در آنجا را به مدت هفت، هشت سال داشته باشد برای ترتب حکم وطن کافی است. ولی اگر برای کار یا امر دیگری غیر از زندگی در آنجا، مدتی بخواهد بماند، حکم وطن مترتب نیست.

س58. آیا برای صدق وطن، قصد و بنای زندگی بمدت هفت هشت سال لازم است و یا صرف اقامت این مدت ولو بدون قصد زندگی کفایت می‌کند؟ یعنی اگر مثلاً پنج سال در شهری اقامت داشت بدون اینکه از اول بدانند چند سال خواهد ماند و بعد تصمیم بگیرد دو سال دیگر در آن شهر زندگی کند، این امر برای صدق وطن کفایت می‌کند؟

ج) اگر در طول این مدت همواره ترقب و احتمال خروج از این محل را داشته است، صدق وطن مشکل است؛ ولی اگر از اول بنای ماندن در آن جا را و لو بدون تعیین زمان داشته و مثلاً پنج سال بر این حال گذشته است و اکنون قصد دارد دو سه سال دیگر هم بماند ظاهر آن است که بر این شخص، مسافر صدق نمی‌کند و این وضعیت برای صدق وطن کافی است.

س59. کسی که جایی را به عنوان وطن انتخاب کرده، چه مدت زمانی در آن جا بماند، حکم وطن بر آن مترتب است؟ ج) به مقداری که عرفاً صدق کند آن جا را وطن اتخاذ نموده، مثلاً دو سه ماه یا حتی کمتر به نحوی که عرفاً اهل آن جا محسوب باشد.

س60. آیا محل کار حکم وطن را دارد؟
ج) اشتغال به کاری در مکانی موجب نمی‌شود که آن مکان وطن گردد. 63

س61. آیا قبیله‌هایی که یک یا دو ماه از قشلاق به بیلاق یا بر عکس منتقل می‌شوند، ولی بقیه سال را در بیلاق یا قشلاق به سر می‌برند، دارای دو وطن هستند؟ مسافرت‌هایی که در ایام اقامت خود در یکی از این دو مکان به مکان دیگر انجام می‌دهند، از جهت قصر یا تمام بودن نماز چه حکمی دارد؟

ج) اگر قصد نقل و انتقال همیشگی از بیلاق به قشلاق و بر عکس را دارند تا روزهایی از سال را در یکی و روزهایی را در دیگری بگذرانند و هر دو مکان را برای زندگی دائمی خود انتخاب کرده باشند، هر یک از آن دو مکان وطن آنان محسوب می‌شود و بر آنان در آن دو مکان حکم وطن جاری می‌گردد، و اگر فاصله بین آن دو به مقدار مسافت شرعی باشد، در راه سفر از یکی به دیگری، حکم سایر مسافرین را دارند.

س62. وطن شخصی تهران است و در حال حاضر قصد دارد در یکی از شهرهای نزدیک تهران ساکن شده و آن را وطن خود قرار دهد، ولی چون محل کسب و کار روزانه اش در تهران است، نمی‌تواند ده روز در آن جا بماند، چه رسد به شش ماه، بلکه هر روز به محل کارش می‌رود و شب به آن جا برمی‌گردد، نماز و روزه او در آن شهر چه حکمی دارد؟

ج) شرط تحقق عنوان وطن جدید این نیست که انسان بعد از قصد توطن و سکونت در شهری، شش ماه به طور مستمر در آن جا بماند، بلکه بعد از این که آن جا را به عنوان وطن جدید انتخاب نمود و با این قصد، مدتی (اگرچه فقط شب‌ها) آن جا سکونت نمود، وطن او محسوب می‌شود.

س63. من فردی عراقی هستم که قصد اعراض از وطنم عراق را دارم، آیا همه ایران را وطن خود قرار دهم یا منطقه ای را که در آن ساکن هستم و یا برای انتخاب وطن حتماً باید خانه ای بخرم؟

ج) در وطن جدید، قصد توطن در شهر خاص و معین و سکونت در آن به مدتی که انسان عرفاً اهل آن جا محسوب شود، شرط است، ولی تملک خانه یا غیر آن شرط نیست.

س64. به غیر از وطن اصلی چند محل را می‌توان به عنوان وطن انتخاب کرد؟

ج) داشتن دو وطن اتخاذی (جدید) اشکال ندارد ولی اگر خواست سه وطن اتخاذ کند که در هر یک در طول سال چهار ماه زندگی کند منوط به صدق عرفی وطن است وگرنه وطن سوم اشکال دارد.

س65. آیا وطن زن، تابع شوهر است؟

ج) اگر مستقل در تصمیم‌گیری در زندگی باشد، تابع نیست.

س66. من شش ماه از سال را در شهری و شش ماه را در شهر دیگری که محل تولدم و محل سکونت من و خانواده ام است،

زندگی می‌کنم، ولی در شهر اول به‌طور متوالی و مستمر ساکن نیستم، مثلاً دو هفته یا ده روز و یا کمتر در آن می‌مانم و سپس به محل تولد و سکونت خانواده ام بر می‌گردم، سؤال من این است که اگر قصد ماندن کمتر از ده روز را در شهر اول داشته باشم، آیا حکم مسافر را دارم یا خیر؟

ج) اگر آن شهر وطن اصلی شما نباشد و قصد توطن در آن‌جا را هم نداشته باشید، در صورتی که قصد اقامت کمتر از ده روز را داشته باشید، حکم سایر مسافرین را دارید، مگر آن‌که آن‌جا محل کار شما باشد و حداقل هر ده روز یک‌بار جهت کار به آن‌جا رفت و آمد داشته باشید که در این صورت نماز شما تمام و روزه تان صحیح است.

اعراض از وطن

س67. مراد از اعراض از وطن چیست؟ آیا مجرد ازدواج زن و رفتن وی همراه شوهر به هر جایی که او می‌خواهد، اعراض محسوب می‌شود یا خیر؟

ج) مراد از اعراض، خروج از وطن با تصمیم بر عدم بازگشت به آن برای سکونت است. و مجرد رفتن زن به خانه شوهر در شهر دیگر، مستلزم اعراض از وطن اصلی اش نیست.

س68. کسی که قبل از بلوغ از محل تولد خود به شهر دیگری مهاجرت نماید و به مسأله اعراض از وطن آگاه نباشد، الآن که به سن تکلیف رسیده، نسبت به نماز و روزه اش در آن‌جا چه وظیفه ای دارد؟
ج) اگر از محل تولد به تبعیت از پدرش مهاجرت کند و پدر وی قصد عدم بازگشت به آن‌جا را برای زندگی داشته باشد، آن مکان برای او حکم وطن را ندارد.

س69. محل کار و سکونت فعلی شخصی از اهالی روستا در تهران است و پدر و مادر او در روستا زندگی می‌کنند و در آن ملک و آب دارند، این شخص برای دیدار و کمک به آن‌جا می‌رود، ولی تمایلی به بازگشت به آن‌جا برای سکونت ندارد، با توجه به این‌که آن‌جا زادگاه وی است، نماز و روزه اش در آن‌جا چه حکمی دارد؟
ج) اگر قصد مراجعت به آن روستا برای سکونت و زندگی ندارد، بلکه تصمیم به عدم مراجعت دارد، حکم وطن بر او در آن‌جا جاری نمی‌شود.

س70. محل تولد من و همسر من شهر کاشمر است، ولی بعد از استخدام در یکی از ادارات دولتی، به نیشابور منتقل شدم، پدر و مادر ما هنوز در زادگاهمان زندگی می‌کنند، در ابتدای رفتن به نیشابور، از وطن اصلی خود اعراض کردیم، ولی اکنون بعد از پانزده سال از این امر منصرف شده ایم، خواهشمندم به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

1. هنگامی که به خانه پدر و مادرم می‌رویم و چند روز نزد آن‌ها می‌مانیم، وظیفه من و همسر من راجع به نماز چیست؟
2. فرزندان ما که در محل سکونت فعلی ما (نیشابور) متولد شده و در حال حاضر به سن بلوغ رسیده اند، هنگامی که به شهر پدری مان (کاشمر) رفته و چند روز نزد آن‌ها می‌مانیم، چه وظیفه ای دارند؟
ج) بعد از آن‌که از وطن اصلی تان (کاشمر) اعراض کردید، دیگر حکم وطن در آن‌جا بر شما جاری نمی‌شود، مگر آن‌که دوباره برای زندگی به آن‌جا برگشته و با قصد زندگی (ولو برای هفت، هشت سال) مدتی در آن‌جا اقامت کنید و این شهر نسبت به فرزندان شما هم حکم وطن را ندارد و همه شما در آن‌جا حکم مسافر را دارید.

س71. شخصی از وطنش اعراض نکرده است و در حال حاضر حدود شش سال است که در شهر دیگری اقامت دارد، در صورتی که به وطن خود برگردد، با توجه به این‌که بر تقلید امام راحل (ره) باقی مانده، آیا نماز خود را باید تمام بخواند یا شکسته؟
ج) تا از وطن سابق خود اعراض نکرده، حکم وطن نسبت به او باقی است و نماز وی در آن‌جا تمام و روزه اش صحیح است.

س72. اگر از وطن اصلی (محل تولد و وطن پدری) قصد اعراض نموده و در جای دیگری سکونت داشته باشیم، آیا می‌توان قصد اعراض را تغییر داد؟

ج) مجرد تغییر قصد اعراض، کافی نیست بلکه فقط در صورتی مجدداً برای شما وطن محسوب می‌شود که بنا داشته باشید که در آن‌جا به قصد زندگی هرچند به مدت مثلاً هفت، هشت سال بمانید.

تبعیت در سفر

ملاک تبعیت از سرپرست خانواده در احکام سفر
س73. شوهرم برای تصمیم‌گیری در بیشتر موارد به من آزادی و اختیار داده است. حال با توجه به این، آیا در وطنش خودم را از جهت کامل خواندن نماز و صحت روزه تابع او بدانم؟ با این‌که ما در منطقه و شهر دیگری ساکن خواهیم شد؟
(ج) صرف دادن آزادی در تصمیم‌گیری، ارتباطی به مسأله (اختیار وطن) ندارد؛ بلکه ملاک، مستقل بودن یا عدم استقلال از شوهر در تصمیم و زندگی است. لذا اگر در این دو موضوع، مستقل از شوهرتان هستید، پس در اتخاذ وطن تابع او نیستید.

س74. شخصی دارای دو وطن است، در نتیجه نماز خود را در هر دو مکان تمام می‌خواند و روزه هم می‌گیرد، آیا واجب است که همسر و فرزندان تحت تکفل وی در این مسأله از سرپرست خود تبعیت نمایند یا این‌که می‌توانند مستقل از او عمل کنند؟
(ج) زن می‌تواند وطن جدید شوهرش را وطن خود قرار ندهد، ولی فرزندان اگر صغیر باشند و در تصمیم‌گیری و کسب درآمد مستقل نباشند و یا در این مسأله تابع اراده پدر باشند، وطن جدید پدر، وطن آن‌ها هم محسوب می‌شود.

س75. آیا زن و فرزندان مشمول مسأله 1284 رساله حضرت امام (ره) هستند؟ یعنی در تحقق سفر آن‌ها قصد سفر توسط آنان شرط نیست؟ و آیا وطن پدر موجب تمام بودن نماز کسانی که تابع وی هستند، می‌گردد؟
(ج) اگر در سفر تابع پدر ولو قهراً باشند، قصد پدر برای پیمودن مسافت در صورت اطلاع آنان از آن کافی است. ولی در انتخاب وطن و اعراض از آن، اگر در تصمیم‌گیری و زندگی مستقل نباشند، یعنی بر حسب طبیعت و ارتکازشان تابع اراده پدر باشند، در اعراض از وطن سابق و اتخاذ وطن جدید که پدر با آن‌ها برای زندگی دائمی به آن‌جا رفته است، تابع وی خواهند بود.

تبعیت اعضای خانواده از سرپرست، در احکام سفر

س76. آیا زن در وطن و اقامت تابع شوهر است؟
(ج) مجرد زوجیت موجب تبعیت قهری نمی‌شود، و زن می‌تواند در انتخاب وطن و قصد اقامت تابع شوهر خود نباشد. بلکه، اگر زن در انتخاب وطن و اعراض از آن تابع اراده همسرش باشد، قصد شوهرش برای او کافی است و شهری که همسرش با او برای زندگی دائم و به قصد توطن به آن‌جا رفته است، وطن وی هم محسوب می‌شود و همچنین اعراض شوهر او از وطن مشترکشان با خروج از آن و رفتن به جایی دیگر، اعراض او از وطن هم محسوب می‌گردد، و برای اقامت ده روز در سفر، اطلاع او از قصد شوهرش مبنی بر اقامت ده روز با این فرض که وی تابع اراده شوهر است برای وی کافی است، بلکه اگر مجبور به همراهی با شوهرش در مدت اقامت در آن‌جا باشد، نیز حکم همین است.

س77. محل تولد من شهر کاشمر است و از سال 1345 هجری شمسی تا سال 1369 ساکن تهران بوده‌ام و آن‌جا را وطن برای خود انتخاب کردم، و مدت سه سال است که همراه با خانواده ام برای مأموریت اداری به بندرعباس آمده و کمتر از یک سال دیگر به شهر تهران که وطن من است، باز خواهم گشت. با توجه به این‌که در مدتی که در بندرعباس هستم، هر لحظه امکان دارد برای مأموریت به شهرهای تابع بندرعباس بروم و مدتی در آن‌جا بمانم و زمان مأموریت‌های اداری هم که به من ارجاع می‌شود، قابل پیش‌بینی نیست، خواهشمندم
اولاً: حکم نماز و روزه مرا بیان فرمایید.

ثانیاً: با توجه به این‌که در اغلب اوقات یا در بعضی از ماه‌های سال برای چند روز در مأموریت اداری به سر می‌برم، آیا کثیر السفر محسوب می‌شوم یا خیر؟

ثالثاً: با توجه به این‌که همسر من خانه دار و متولد تهران است و با من به بندرعباس آمده و ساکن آن شده است، حکم شرعی نماز و روزه وی چیست؟

ج) نماز و روزه شما در محل کار فعلی‌تان که وطن شما نیست، حکم نماز و روزه مسافر را دارد، یعنی نماز شکسته است و روزه تان صحیح نیست، مگر آن‌که در آن‌جا قصد اقامت ده روز کنید و یا در هر ده روز حداقل یک بار به‌خاطر کاری که مربوط به وظیفه شما است، مسافرت نمایید؛ و اما همسران که در محل کار همراه شما است، اگر قصد اقامت ده روز کرده باشد، نماز وی تمام و روزه اش صحیح است و در غیر این صورت نمازش شکسته است و نمی‌تواند روزه بگیرد.

س78. جوانی با زنی از شهری دیگر ازدواج نموده است، هنگامی که این زن به خانه پدرش می‌رود، نمازش قصر است یا تمام؟
ج) تا زمانی که از وطن اصلی خود اعراض نکرده، نمازش در آن‌جا تمام است.

س79. اگر شخصی وطنی داشته باشد که در حال حاضر در آن سکونت نمی‌کند، ولی گاهی با همسرش به آن‌جا می‌رود، آیا همسر او در آن‌جا باید مانند وی نمازش را تمام بخواند یا خیر؟ و اگر همسرش تنها به آن‌جا برود نمازش چه حکمی دارد؟
ج) مجرد این‌که آن مکان وطن شوهر اوست باعث نمی‌شود که وطن وی هم باشد و بر او در آن‌جا احکام وطن جاری شود.

نماز و روزه فرزندان در وطن والدین

س80. نماز و روزه فرزندان در وطن والدین چگونه است؟ و آیا به سن فرزندان و مستقل شدن آنها بستگی دارد؟
ج) میزان، تبعیت و عدم استقلال است. مادامی که فرزندان در اراده و زندگی تابع پدر باشند، وطن پدر، وطن آنها هم محسوب می‌شود (و اگر با مادر زندگی می‌کنند و تابع مادر هستند وطن مادر، وطن آنها هم محسوب می‌شود) و در این حکم فرقی بین اینکه فرزند صغیر باشد یا کبیر نیست. این در صورتی است که فرزندان در وطن پدر یا مادر زندگی کنند اما اگر به قصد مسافرت چند روزه به وطن والدین رفته‌اند، در این صورت مادامی که قصد ماندن حداقل ده روز را نداشته باشند حکم سایر مسافرین را دارند.

س81. در جایی به دنیا آمده‌ام که وطن پدر و مادرم بوده ولی یک روز بعد از تولد به جای دیگر منتقل شدیم بدون این‌که پدر و مادرم از آن وطن خود اعراض نمایند، آیا آن‌جا وطن من نیز می‌باشد (البته مادامی که از آنجا اعراض نکرده‌ام)؟
ج) محل مذکور وطن شما محسوب نمی‌شود.

س82. نماز و روزه دختری که به مدت شش ماه آغاز تولد در محل تولد اقامت داشت سپس به مدت هفده سال در شهری دیگر زندگی نمود سپس بعد از ازدواج به محل تولد بازگشت، در دو محل اقامت چه حکمی دارد؟
ج) محل تولد با فرض اینکه پس از تولد فقط شش ماه در آن‌جا اقامت داشته برای او وطن محسوب نیست؛ و در محل زندگی هفده ساله اگر پدر آن‌جا را برای خود وطن اتخاذ کرده و فرزند هم به تبعیت از پدر در آن‌جا زندگی نموده، آن‌جا وطن فرزند هم محسوب است؛ و نسبت به محل تولد اگر بعد از بلوغ و استقلال در زندگی آن‌جا را برای خود وطن اتخاذ کند آن‌جا نیز برای او حکم وطن خواهد داشت.

احکام بلاد کبیره

س83. نظر جناب عالی درباره شهرهای بزرگ از جهت قصد توطن یا اقامت ده روز در آن‌ها چیست؟
(ج) در احکام مسافر و قصد توطن و قصد اقامت ده روز فرقی بین شهرهای بزرگ و معمولی نیست و حتی با قصد توطن در یک شهر بزرگ و مدتی در آن‌جا ماندن، بدون معین کردن محله خاصی از آن، تمام آن شهر حکم وطن را درباره او پیدا خواهد کرد. همچنین اگر قصد اقامت ده روز در مانند این شهر نماید، بدون این‌که محله خاصی از آن را قصد نماید، حکم تمام بودن نماز و صحت روزه در مورد او در تمام محله‌های آن شهر جاری خواهد بود.

س84. شخصی از فتوای امام (قدس سره) در مورد این‌که تهران از بلاد کبیره است، مطلع نبوده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به فتوای امام (قدس سره) علم پیدا کرده است، نماز و روزه ای را که به نحو متعارف به جا آورده، چه حکمی دارد؟
(ج) اگر در حال حاضر بر تقلید امام (قدس سره) در آن مسأله باقی باشد، واجب است که اعمال گذشته اش را که با فتوای امام (قدس سره) منطبق نیست، تدارک نماید، به این معنی که نمازهایی را که به جای شکسته، تمام خوانده به صورت شکسته قضا کند و روزه‌هایی را که در حال مسافرت گرفته است، قضا نماید.

سفر در شهرهای به هم چسبیده

س85. در محل زندگی من شهرهای بزرگی وجود دارد که شهرداری‌های مجزا دارند اما همه آنها تحت منطقه‌ای بزرگ با نام واحد هستند. اگر من داخل این منطقه حدود 15 تا 20 کیلومتر سفر کنم، آیا باید نماز را قصر بخوانم یا تمام؟
(ج) اگر مجموع شهرهای کوچک در کنار هم در نظر عرف محل، یک شهر محسوب باشد، طی مسافت در داخل شهر حکم سفر ندارد و نماز تمام است. و مسافت از آخر شهر به مقصد یا از مبدأ به اول شهر بزرگ محاسبه می‌شود که اگر به مقدار مسافت شرعی (22/5 کیلومتر) باشد نماز قصر است.

کیفیت نماز و روزه در سفر

احکام نماز مسافر

س86. آیا در زمان حاضر که مسافرت‌ها به راحتی قابل انجام است نماز مسافر شکسته است؟
(ج) در حکم مذکور تفاوتی میان عصر حاضر و زمان گذشته نیست.

س87. اگر به یک منطقه دوری - که تقریباً یک ساعت راه باشد - برویم، آیا باید نمازمان را شکسته بخوانیم یا به صورت عادی و کامل؟

(ج) با پیمودن مسافت شرعی، در وجوب شکسته خواندن نماز فرقی نیست که مدت سفر کوتاه باشد یا طولانی، و فرقی نیست که یک روز یا بیشتر در مقصد بماند و یا همان ساعت برگردد.

س88. کسی که به جایی مسافرت کرده و نمی‌داند چه مقدار در آن‌جا خواهد ماند، ده روز یا کمتر، چگونه باید نماز بخواند؟
(ج) وظیفه شخص مردد تا سی روز قصر است و از آن به بعد باید نمازش را تمام بخواند، هرچند در همان روز بخواند برگردد.

س89. اگر فردی در سفر باشد و نماز خود را سر وقت شکسته بخواند و قبل از وقت قضا شدن همان نماز به وطن خود بازگردد آیا دوباره باید نمازش را اعاده کند؟
(ج) لازم نیست که اعاده کند.

س90. اگر به شهری غیر از شهر خودم مسافرت کنم که به مقدار مسافت شرعی هست و زمان نماز هم فرا برسد که باید نماز را شکسته بخوانم، ولی من نمازم را آن‌جا نخوانم و به شهرم برگردم. آیا باید نماز را - در شهر خودم - شکسته بخوانم یا تمام؟
(ج) ملاک، وقت ادای نماز است نه وقت وجوب آن؛ البته مادامی که وقت نماز باقی باشد.

س91. اگر کسی در مکانی که از محل سکونتش به مقدار مسافت شرعی فاصله دارد، به خاطر جهل به مسأله یا فراموشی آن نمازش را تمام بخواند و موقعی که به محل سکونتش برگردد متوجه شود، نمازی که خوانده چه حکمی دارد؟
(ج) در صورت جهل به موضوع یا جهل به خصوصیات حکم، احتیاط این است که نمازش را اعاده کند، چه در وقت نماز یادش بیاید و چه خارج از آن؛ برخلاف موردی که جاهل به اصل حکم بوده (و اصلاً مسأله را نمی‌دانسته) که در این صورت اعاده در وقت هم واجب نیست تا چه رسد به قضای آن؛ و در صورتی که فراموش کرده که در سفر است، اگر وقت باقی است؛ باید نمازش را اعاده کند و اگر در خارج از وقت یادش آمد، قضا واجب نیست.

س92. اگر مکلف نماز مغرب و عشا را در سفر تا بعد از نصف شب نخواند، چنانچه در همان شب تا قبل از فجر (اذان صبح) به وطنش بازگردد، آیا باید آن نمازها را به صورت شکسته بخواند یا تمام (به قصد قربت مطلق)؟
(ج) اگر تا قبل از اذان صبح به وطنش رسید، نماز مغرب را به نیت مافی‌الذمه به‌جا آورد، و نماز عشا را هم شکسته (به نیت قضا) بخواند و هم کامل.

احکام روزه مسافر

1. کسی که عمداً روزه خود را باطل کرده اگر پس از آن به سفر برود کفاره از او ساقط نمی‌شود.
2. کسی که چند روز از ماه رمضان را به خاطر عذری روزه نگرفته، و تعداد آن روزها را نمی‌داند مثلاً نمی‌داند که آیا در روز بیست و پنجم ماه رمضان به سفر رفته تا روزهایی که از او فوت شده مثلاً شش روز باشد یا در روز بیست و ششم رفته که پنج روز

باشد، می‌تواند مقدار کمتر را قضا کند و اما در صورتی که هنگام شروع عذر (مثلاً سفر) را می‌داند، مثلاً می‌داند که روز پنجم ماه به سفر رفته ولی نمی‌داند که در شب دهم برگشته تا پنج روز فوت شده باشد یا شب یازدهم برگشته تا شصت روز فوت شده باشد، در این صورت احتیاط آن است که مقدار بیشتر را قضا کند.

3. کسی که به‌خاطر سفر، روزه ماه رمضان را نگرفته، اگر تا ماه رمضان سال بعد در وضعیت سفر باشد قضای رمضان گذشته از او ساقط نمی‌شود و باید بعداً آن را به‌جا آورد، و احتیاط مستحب آن است که کفاره نیز بدهد.

4. اگر پدر و نیز بنابر احتیاط واجب، مادر روزه خود را به‌خاطر عذری - غیر از سفر - به‌جای نیاورده و با اینکه می‌توانسته آن را قضا کند، قضا نیز نکرده است بر پسر بزرگتر آنان واجب است که پس از مرگ آنان خودش یا به‌وسیله اجیر، قضای آن روزه را به‌جا بیاورد. و اما آن‌چه به‌خاطر سفر به‌جا نیاورده‌اند واجب است حتی در صورتی که فرصت و امکان قضا را هم نیافته‌اند، آن را قضا کند.

5. کسی که در ماه رمضان مسافرت می‌کند در هر موردی که نماز را باید شکسته بخواند نباید روزه بگیرد. و در هر مورد که باید نماز را چهار رکعتی (تمام) بخواند، مانند مسافری که ده روز در یک محل قصد ماندن می‌کند یا اینکه مسافرت شغل اوست، واجب است روزه را نیز به‌جا بیاورد.

6. مسافرت در ماه رمضان هرچند برای فرار از روزه باشد جایز است. البته بهتر است به سفر نرود مگر اینکه سفر برای کار نیکو یا لازمی باشد.

مسافرت در ماه مبارک رمضان

س93. آیا مسافرت عمدی در ماه رمضان به قصد افطار و فرار از روزه گرفتن، جایز است؟

ج) مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، و در صورت مسافرت، ولو این‌که برای فرار از روزه باشد، افطار بر او واجب است.

س94. کسی که در ماه رمضان مسافرت کرده، آیا علاوه بر قضا، باید کفاره هم بدهد؟

ج) خیر، تنها قضای روزه‌ها واجب است و کفاره ندارد؛ ولی اگر قضای روزه‌ها را تا ماه رمضان سال بعد به تأخیر اندازد، به جهت تأخیر، باید برای هر روز یک مدّ طعام کفاره بدهد.

س95. من هر هفته برای زیارت حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) و انجام اعمال مسجد جمکران به شهر قم مسافرت می‌کنم، آیا در این سفر نماز را تمام بخوانم یا شکسته؟

ج) در این سفر حکم سایر مسافرین را دارید و نماز شما قصر است.

س96. در صورت اختلاف افق، اگر شخصی در منطقه‌ای که حلول ماه رمضان ثابت شده روزه گرفته و قبل از تمام شدن ماه به منطقه‌ای سفر کند که بر اساس افقش ماه رمضان یک روز دیرتر حلول کرده و بقیه ماه را در منطقه جدید سپری کند، و در این سال ماه رمضان سی روزه باشد، در این صورت روز آخر ماه رمضان برای او روز سی‌ویکم می‌شود. آیا باید روزه بگیرد و یا افطار نماید؟

ج) اگر به منطقه‌ای برسد که از ماه رمضان یک روز مانده باشد، واجب است که آن را روزه بگیرد، هرچند ماه رمضان نسبت به تعداد روزهایی که روزه گرفته سی‌ویکم روز شود.

س97. شخصی که روزه‌ی معینی بر عهده‌ی او می‌باشد و یا اینکه چند روز قضا دارد و وقت آن ضیق شده است، می‌تواند به سفر برود؟ و اگر در سفر است، آیا لازم است قبل از ماه رمضان از سفر مراجعت کند و روزه‌هایش را بگیرد؟

ج) رفتن به سفر برای او اشکال ندارد و اگر در سفر است لازم نیست مراجعت کند که آن روز یا چند روز را روزه بگیرد؛ چون کسی که در سفر است، روزه از او برداشته شده است همانند ماه مبارک، و تفاوتی هم بین اقسام روزه نیست.

خارج شدن از حدّ ترخص و بازگشت قبل از ظهر

س98. حکم روزه مسافری که صبح از وطن خارج شده و از حدّ ترخص گذشته و قبل از ظهر به وطن برمی‌گردد چگونه است؟

ج) اگر مفطری را مرتکب نشده، باید نیت روزه کند و روزه‌اش صحیح است.

س99. روزه مسافری که صبح به مقدار بیشتر از مسافت شرعی (5/ 22 کیلومتر) از وطن خود دور می‌شود، اگر قبل از ظهر برگشت ولی شک دارد که به اذان ظهر رسیده یا نه، حکمش چیست؟
(ج) در صورت شك روزه صحیح است.

رسیدن روزه‌دار به محل اقامت بعد از ظهر
س100. اگر شخصی بخواهد قبل از زوال به محل اقامتش برسد، ولی در راه به خاطر پیشامد حادثه ای نتواند در زمان معین به مقصد برسد، آیا روزه او اشکال دارد و آیا کفاره بر او واجب است یا فقط قضای روزه آن روز را باید به جا آورد؟
(ج) روزه اش در سفر صحیح نیست و بر او فقط قضای روزه آن روزی که پیش از ظهر به محل اقامتش نرسیده، واجب است و کفاره ای هم ندارد.

س101. اگر به جایی سفر کنم که قصد دارم ده روز در آن جا بمانم ولی بعد از اذان ظهر به آن جا برسم آیا روزه آن روز صحیح است؟
(ج) روزه آن روز صحیح نیست و باید قبل از اذان ظهر در محل اقامت ده روز باشید.

س102. اگر روزه داری هنگام غروب در سرزمینی افطار کرده باشد و سپس به جایی مسافرت کند که خورشید در آن هنوز غروب نکرده است، روزه آن روز او چه حکمی دارد؟ آیا تناول مفطرات برای او در آن جا قبل از غروب خورشید جایز است؟
(ج) روزه او صحیح است و تناول مفطرات در آن مکان قبل از غروب خورشید با فرض این که در وقت غروب در سرزمین خود افطار کرده، برای او جایز است.

س103. من در خارج از کشورم زندگی می‌کنم و در ماه رمضان روزه می‌گیرم ولی دو روز مانده به عید در حالی که 28 روز روزه گرفته‌ام، با پروازی که دو ساعت طول می‌کشد به کشورم برمی‌گردم و در آنجا هلال عید فطر را می‌بینم وظیفه‌ام چیست؟
(ج) اگر در بدو ورود به وطن مشخص باشد که آن روز شرعاً روز عید است باید یک روز، روزه ماه مبارک رمضان را در فرض سؤال قضا کنید.

س104. شخصی از اول ماه رمضان تا بیست و هفتم ماه را در وطن خود (بندر دیر) روزه گرفته و در صبح روز بیست و هشتم به دبی مسافرت کرده و در روز بیست و نهم به آن جا رسیده و متوجه شده که در آنجا عید اعلام شده است، او اکنون به وطن خود برگشته، آیا قضای روزه هایی که از وی فوت شده، واجب است؟ اگر یک روز قضا نماید، ماه رمضان نسبت به او بیست و هشت روز می‌شود و اگر بخواهد دو روز قضا کند، روز بیست و نهم در جایی بوده که در آنجا عید اعلام شده بود، این شخص چه حکمی دارد؟
(ج) در فرض سؤال قضای دو روز بر او واجب است.

س105. شخصی به مسافرت رفته و قصد داشته ده روز در جایی بماند، سپس از قصد اقامتش عدول کرده و تصمیم گرفته که قبل از حلول ماه رمضان به شهر خود برگردد، ولی به سبب تأخیر در حمل و نقل جاده‌ای ماه رمضان فرا رسیده و او هنوز در همان شهر باقی مانده است. اگر در روز ماه رمضان با همسرش مجامعت کند، چه حکمی دارد؟
(ج) اگر بعد از این که حکم کامل خواندن نماز (با خواندن یک نماز چهار رکعتی) بر او مستقر شده، از قصد اقامتش عدول کرده باشد، روزه بر او واجب شده و مجامعت در هنگام روزه جایز نیست، و اگر چنین کاری کرد، کفاره بر او واجب می‌شود و آن اطعام شصت مسکین یا شصت روز، روزه گرفتن است؛ ولی اگر قبل از این که حکم کامل خواندن نماز بر او مستقر شود از قصدش عدول کرده، چیزی به عهده‌اش نیست.

روزه قضا و مستحبی در سفر
س106. آیا گرفتن روزه های قضا، در سفر صحیح است؟
(ج) جایز نیست.

س 107. آیا مسافر می تواند روزه مستحبی بگیرد؟

ج) گرفتن روزه مستحبی در سفر جایز نیست ؛ مگر در مدینه طیبه که برای برآورده شدن حاجت، می تواند سه روز، روزه مستحبی بگیرد و احتیاط آن است که روز چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه را اختیار کند.

نذر روزه در سفر

س 108. کسی که در ماه رمضان در سفر است، آیا می تواند نذر کند روزه بگیرد؟

ج) خیر، جایز نیست.

س 109. بنده نذر کردم که چهل روز پشت سر هم روزه بگیرم اما سفری برای من پیش آمده که ناچار از انجام آن هستم. تکلیف نماز و روزه بنده چه می شود؟

ج) اگر برای آن وقت تعیین کرده است و ناچار شد به سفر برود، باید قضای آن مقداری را که سفر کرده به جا آورد ؛ ولی اگر وقت تعیین نکرده است باید در موقع دیگری چهل روز پی در پی روزه بگیرد.

س 110. شخصی که مفطری انجام نداده، در سفر مثلاً در ساعت ده نذر می کند که امروز را روزه می گیرم، آیا نذر او صحیح است یا باید نذر قبل از سفر و قبل از طلوع فجر باشد؟

ج) روزه مستحبی در سفر که با نذر صحیح است، باید قبل از طلوع فجر باشد و بنابر احتیاط مشروط است به این که نذر در حَضَر منعقد شده باشد.

نماز و روزه رانندگان و مانند آن

س111. نماز و روزه خلبانان هواپیماهای جنگی که بیشتر روزها از پایگاه های هوایی شان اقدام به پرواز کرده و مسافتی بسیار بیشتر از مسافت شرعی را می پیمایند و مرتب این عمل را تکرار می کنند، چه حکمی دارد؟
(ج) حکم آنان همان حکم سایر رانندگان و ملوانان و خلبانان هواپیماهاست، یعنی نماز آن ها در سفر تمام و روزه شان صحیح است.

س112. در رساله عملیه امام خمینی (ره) در بحث نماز مسافر، شرط هفتم، آمده است: «واجب است راننده در غیر از سفر اول نماز خود را تمام بخواند ولی در سفر اول نمازش شکسته است هرچند طولانی باشد، آیا مقصود از سفر اول همان شروع حرکت از وطن تا بازگشت به آن است یا با رسیدن به مقصد سفر اول تمام می شود؟
(ج) اگر رفت و برگشت در نظر عرف، یک سفر محسوب شود مثل استادی که از وطن برای تدریس به شهری سفر کرده و هنگام عصر یا فردای آن روز به مبدأ بر می گردد، در این صورت، رفت و برگشت سفر اول محسوب می شود. در صورتی که عرفاً یک سفر نباشد مثل راننده ای که برای حمل کالا به مقصدی حرکت کرده و از آن جا به مکان دیگری برای حمل مسافر یا کالای جدید سفر نماید و سپس به وطن مراجعت می کند که در این فرض، سفر اول با رسیدن به مقصد، تمام می شود.

س113. کسی که رانندگی ماشین شغل ثابت و دائمی او نیست، ولی برای مدت کوتاهی وظیفه رانندگی به او محول می شود مثل سربازانی که وظیفه رانندگی را در پادگان ها و پاسگاه ها و غیر آن ها بر عهده می گیرند، آیا این افراد حکم مسافر را دارند یا آن که واجب است نماز خود را تمام خوانده و روزه بگیرند؟
(ج) اگر رانندگی ماشین در آن مدت موقت [دو، سه ماه در سال] شغل آن ها محسوب شود، حکم سایر رانندگان را خواهند داشت.

س114. اگر ماشین راننده ای بر اثر حادثه ای برای مدتی متوقف شود و راننده برای تعمیر و خرید لوازم به شهر دیگری مسافرت نماید، با توجه به این که با ماشین خود سفر نکرده، آیا باید در مانند این سفر نمازش را تمام بخواند یا شکسته؟
(ج) اگر در این سفر شغل او رانندگی نباشد و عرف هم این سفر را سفر شغلی نداند، حکم دیگر مسافران را خواهد داشت.

س115. شخصی کارش رانندگی است که البته نمازش تمام و روزه اش صحیح است، حال اگر روزی به عنوان ملوان یا ناخدا برای یک سفر دریایی سفر کند، نماز و روزه اش در این سفر دریایی چه حکمی دارد و همچنین بالعکس اگر کسی کارش ملوانی و یا ناخدایی باشد اگر روزی به عنوان راننده ماشین سفر کند، نماز و روزه اش در این سفر چه حکمی دارد؟
(ج) اگر سفر مذکور شغلی باشد، نماز تمام و روزه صحیح است و در غیر این صورت قصر است.

نماز و روزه در سفرهای شغلی

سفر شغلی و ملاک تحقق آن

س 116. کسی که سفر مقدمه شغل اوست، آیا در سفر نمازش تمام و روزه اش صحیح است یا آن که این حکم اختصاص به کسی دارد که شغل او حتماً مسافرت باشد؟ این گفته مرجع تقلید حضرت امام خمینی (ره) که می فرماید: کسی که شغل او مسافرت است چه معنایی دارد؟ آیا کسی یافت می شود که خود سفر شغل او باشد؟ زیرا چوپان و راننده و ملوان و غیر آن ها هم کارشان چوپانی و رانندگی و کشتیرانی است و اصولاً کسی که سفر را به عنوان شغل خود برگزیده باشد، وجود ندارد.

ج) کسی که سفر مقدمه کار او است، اگر در خلال هر ده روز حداقل یک بار برای کار به محل کارش رفت و آمد نماید، نمازش تمام و روزه اش صحیح است، و در کلمات فقها (رضوان الله علیهم) مراد از کسی که شغل او مسافرت است، کسی است که قوام کار او به سفر است مانند شغل هایی که در سؤال ذکر شده است.

س 117. استفتایی شده که: «شخصی در جایی کار می کند که فاصله بین محل کار و وطنش به اندازه مسافت شرعی نیست اما در رابطه با کارش هفته ای یا دو هفته یک بار به محل دیگری به اندازه مسافت شرعی سفر می کند.» در جواب گفته شده: «در محل دوم نمازش تمام است.» در حالی که می دانیم معظم له حداقل یک سفر (شغلی) در طول ده روز را معتبر می دانند. لطفاً این مسأله را توضیح بفرمایید؟

ج) اگر به خاطر شغل به جایی سفر کند که به اندازه مسافت شرعی از محل سکونت یا محل کارش دور باشد، مادامی که در طی ده روز حداقل یک مرتبه به آن جا رفت و آمد کند، در راه رفت و برگشت و در خود محل، نمازش تمام است؛ ولی اگر سفرش به آن جا سفر شغلی نباشد یا در هر دو هفته یک بار (مثلاً) به آن جا می رود، نمازش شکسته است.

س 118. خواهشمند است در مورد سفر برای شغل که فرموده اید «در سفر سوم نماز تمام است» بفرمایید: شخصی که مکرراً برای شغلش مسافرت می کند اگر ده روز در وطن و یا جای دیگر اقامت کند آیا در این مورد هم در سفر سوم نمازش تمام است و یا اینکه پس از اقامت ده روز فقط در سفر اول نمازش قصر می باشد؟

ج) در صورت اقامت ده روز در یک محل در بین سفرهای شغلی فقط در سفر اول بعد از اقامت ده روز نمازش قصر است.

س 119. کسی که سفر شغلی حداقل هر ده روز یک بار انجام می دهد، تا چه مدت آن را ادامه دهد حکم سفر شغلی بر آن مترتب می شود؟

ج) میزان صدق تکرر سفر برای شغل است، همین که کاری که برای آن سفر می کند شغل او محسوب باشد ولو شغل دو سه ماهه، و برای آن بدون تخلل اقامت ده روز در یک جا مکرراً مسافرت می کند، در سفر سوم نمازش تمام است.

س 120. مکلف بعد از این که ده روز بین سفرش فاصله افتاده، از وطنش به محل کار مسافرت می کند و چون سفر اولش هست نمازش را شکسته می خواند، ولی بعد از رسیدن به محل کار صاحب کار از او می خواهد به محل دیگری - که به اندازه مسافت شرعی است - برود. آیا این سفر، سفر دوم محسوب می شود تا نمازش را تمام بخواند، یا ابتدای سفر دوم بعد از بازگشت به وطن و سفر از وطن به محل کار است؟

ج) سفر مذکور، سفر دومش محسوب می شود و نمازش تمام است.

س 121. اینجانب با اجازه جناب عالی بر تقلید از حضرت امام (ره) باقی هستم. و در زمان آیت الله اراکی (ره) در حوزه مأموریت استانی نماز را کامل می خواندم و فعلاً هم نمازم را در حوزه مأموریت (تمام شهرهای استان) کامل می خوانم. از طرفی منزل پدر خانم در استان همجوار است. تکلیفم در مأموریت اداری و مرخصی (کار غیراداری) در آن استان چیست؟

ج) اگر محل کار از محل سکونت حداقل به مقدار چهار فرسخ شرعی (5/22 کیلومتر) فاصله دارد و حداقل هر ده روز یک بار بین محل سکونت و محل کار رفت و آمد دارید، نماز شما تمام و روزه صحیح است و چنانچه فاصله کمتر از چهار فرسخ شرعی باشد، با قصد اقامت ده روز در محل سکونت یا محل کار و تحقق قصد اقامت ده روز، تردد شما بین محل کار و محل سکونت رافع حکم اقامت نیست بلکه نماز تمام و روزه صحیح است، ولی در سفر غیرکاری برای خرید مایحتاج و یا رفتن به منزل پدر خانم حکم مسافر مترتب است.

س122. گاهی ما نظامیان برای مدت طولانی بنا به دستورات نظامی می‌بایست در محلی خارج از وطن خود اقامت کنیم که این مدت در برخی موارد به کل سی سال خدمت موظفی نیز منتهی می‌گردد و در ابتدای امر نیز تشخیص این که چند سال در آن مکان به جهت شغل خود، حضور خواهیم داشت نامعین و نامشخص است. حال آیا این گروه نظامیان با شرح فوق در محل اشتغالشان نیازمند قصد اقامت هستند؟

ج) ماندن در محل کار ولو به مدت طولانی بدون قصد زندگی موجب ترتب حکم وطن نیست بلکه در صورت سفر از محل کار، در برگشت نیاز به قصد اقامت دارند، مگر این که آن قدر آن جا بمانند که عرفاً وطن آنان محسوب شود.

س123. نماز و روزه نیروهای کادری که در استخدام ارتش یا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند و بیشتر از ده روز در پادگان و بیشتر از ده روز در مناطق مرزی می‌مانند، چه حکمی دارد؟ خواهشمندم فتوای حضرت امام (ره) را هم بیان فرمایید.
ج) اگر قصد اقامت ده روز یا بیشتر را در مکانی دارند و یا می‌دانند که ده روز یا بیشتر از آن مقدار در آن جا خواهند ماند، واجب است که نماز خود را تمام بخوانند و روزه هم بگیرند. فتوای امام (ره) هم همین است.

س124. اگر یکی از طلاب علوم دینی قصد داشته باشد تبلیغ را شغل خود قرار دهد، آیا با این فرض می‌تواند در سفر نماز خود را تمام بخواند و روزه هم بگیرد؟ اگر شخصی برای کاری غیر از تبلیغ و ارشاد یا امر به معروف و نهی از منکر مسافرت نماید، نماز و روزه اش چه حکمی دارد؟

ج) اگر عرفاً تبلیغ و ارشاد یا امر به معروف و نهی از منکر شغل و کار او محسوب شود، در سفر برای انجام آن کارها حکم مسافری را دارد که به خاطر شغل و کارش سفر می‌کند، و اگر زمانی برای کاری غیر از ارشاد و تبلیغ مسافرت کرد، در آن سفر مانند سایر مسافران نمازش شکسته است و روزه او صحیح نیست.

س125. محل تولد من شهر کاشمر است و از سال 1345 هجری شمسی تا سال 1369 ساکن تهران بوده ام و آن جا را وطن برای خود انتخاب کردم، و مدت سه سال است که همراه با خانواده ام برای مأموریت اداری به بندرعباس آمده و کمتر از یک سال دیگر به شهر تهران - که وطن من است - بازخواهم گشت. با توجه به این که در مدتی که در بندرعباس هستم، هر لحظه امکان دارد برای مأموریت به شهرهای تابع بندرعباس بروم و مدتی در آن جا بمانم و زمان مأموریت های اداری هم که به من ارجاع می‌شود، قابل پیش‌بینی نیست، خواهشمندم اولاً: حکم نماز و روزه مرا بیان فرمایید.

ثانیاً: با توجه به این که در اغلب اوقات یا در بعضی از ماه‌های سال برای چند روز در مأموریت اداری به سر می‌برم، آیا کثیرالسفر محسوب می‌شوم یا خیر؟

ج) نماز و روزه شما در محل کار فعلی‌تان که وطن شما نیست، حکم نماز و روزه مسافر را دارد، یعنی نماز شکسته است و روزه تان صحیح نیست، مگر آن که در آن جا قصد اقامت ده روز کنید و یا در هر ده روز حداقل یک بار به خاطر کاری که مربوط به وظیفه شما است، مسافرت نمایید.

س126. من با شرکتی قرارداد بسته‌ام که آنها متکفل مخارج درس و آموزش من می‌شوند تا درسم تمام شده و در آن شرکت کار کنم. محل درس از وطن اصلی‌ام به اندازه مسافت شرعی فاصله دارد و تا مقداری از حقوق کارمندان این شرکت به من هم پرداخت می‌شود. آیا آن جا محل درس و تحصیل من محسوب می‌شود یا محل کارم؟ اگر محل تحصیل باشد، حکم نماز و روزه ماه رمضان چه خواهد بود؟ با توجه به این که هفته‌ای یک بار به شهر اصلی‌ام برمی‌گردم؟

ج) بعد از آن که کارمند آن شرکت شده و به حساب و دستور شرکت مشغول به تحصیل گشتید تا بعد از اتمام تحصیل در شرکت کار کنید، سفر شما برای تحصیل - در فرض سؤال - حکم سفر شغلی را دارد، بنابراین نمازتان تمام است و در ماه رمضان باید روزه بگیرید.

س127. آیا در سفر شغلی که نماز تمام است لازم است در هر ده روز حداقل يك بار به محل کارش سفر کند یا همین که در يك مکان ده روز نماند - ولو هر 15 روز یا 20 روز یا يك ماه به محل کارش سفر کند - کافی است؟
(ج) ملاک این است که بین دو سفر شغلی ده روز در جایی اقامت نکند هر چند فاصله بین دو سفر شغلی بیش از ده روز باشد.

س128. بر اساس فتوای حضرتعالی نماز «من شغله في السفر» در سفر اول بعد از تخلل ده روز شکسته است، ملاک و معیار سفر اول و پایان آن و آغاز سفر دوم چیست؟
(ج) اگر برای انجام کاری سفر کرده که در مقصد کارش تمام شده است و در آنجا تصمیم می‌گیرد که به وطن یا جای دیگر برود برگشت از آن سفر، سفر دوم محسوب می‌شود که اگر شغلی باشد نماز تمام است ولی اگر مثلاً کار او رفتن به مقصد و چیزی از آنجا برای مبدأ آوردن بوده، رفت و برگشت يك سفر محسوب می‌شود.

س129. مأمورین غیر محلی که هیچ‌گاه ده روز در شهر محل کار نمی‌مانند، ولی مسافرت آنان کمتر از مسافت شرعی است، از جهت تمام یا شکسته بودن نماز چه وظیفه ای دارند؟
(ج) در فرض سؤال، هرگاه ده روز در جایی اقامت نکنند، در غیر سفر اول (و دوم در ابتدای کار) سفرشان شغلی محسوب می‌شود و در محل سکونت، محل کار و بین آن دو نمازشان تمام است.

س130. در مورد شغل‌هایی همچون معلمی، آیا در هر ده روز یک مرتبه سفر (شغلی) ولو به جاهای مختلف (به اعتبار این که تمام این مکان‌ها برای کار آموزشی است)، کفایت می‌کند یا باید محل سفر در هر مرتبه یکی باشد؟
(ج) در سفر شغلی، وحدت مکان شرط نیست.

س131. شخصی هر روز از محل سکونتش به اندازه مسافت شرعی برای کار می‌رود، اگر کارش موجب شود که به جای دیگری برود - که گاهی به اندازه مسافت شرعی است و گاهی کمتر - حکم نماز و روزه اش چیست؟
(ج) مادامی که بین دو سفرش در یک جا ده روز فاصله نیفتد، نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است.

وظیفه مکلف در سفر شغلی

س132. نظر حضرتعالی درباره نماز و روزه کسانی که به مدت معینی بیش از یک سال در شهری برای کار اقامت می‌کنند و یا سربازانی که به مدت یک یا دو سال برای انجام خدمات سربازی در شهری می‌مانند، چیست؟ آیا بعد از هر سفری باید قصد اقامت ده روز کنند تا نمازشان تمام و روزه آن‌ها صحیح باشد؟ و اگر قصد ماندن کمتر از ده روز را داشته باشند، نماز و روزه آن‌ها چه حکمی دارد؟

(ج) اگر حداقل هر ده روز یک‌بار به خاطر شغل‌شان به محل کار سفر می‌کنند، در غیر سفر اول و دوم نمازشان تمام و روزه شان صحیح است، ولی در سفر اول و دوم، حکم سایر مسافرین را دارند، یعنی تا قصد اقامت ده روز را نکرده‌اند، نماز آنان شکسته است و روزه شان صحیح نیست.

س133. گروهی از همکاران، هر روز جهت کار بین دو شهر (که هیچ‌کدام از آن دو شهر نیز وطن آنها نمی‌باشد) تردد می‌نمایند، حکم نماز و روزه این گروه در شهر محل کار، شهرستان محل سکونت، و بین آن دو شهر چیست؟
(ج) با فرض این که بین محل کار و محل سکونت تردد مکرر دارند و ده روز در يك جا نمی‌مانند، نماز و روزه‌شان در محل کار و بین راه و محل سکونت تمام است.

س134. وطن اینجانب در یکی از شهرستان‌های مازندران است که در حال حاضر در تهران مشغول به تحصیل و کار هستم. من در پایان هر هفته به هشتگرد به منظور صله ارحام می‌روم. از شنبه تا چهارشنبه در تهران در کنار تحصیل در دانشگاه مشغول به کار نیز هستم، تقریباً هر 40 روز یک‌بار به مازندان می‌روم. با توجه به اشتغال در تهران حکم نماز و روزه من چگونه است؟
(ج) در سفر به هشتگرد به منظور صله ارحام، حکم مسافر دارید و در برگشت به تهران که اشتغال به کار نیز دارید، نماز تمام و روزه صحیح است و در محل کار نیز نماز تمام و روزه صحیح است و در سفر به وطن نیز در مسیر رفتن نماز شکسته است ولی در

برگشت به محل کار نماز تمام است.

انجام کار یا سفر غیر شغلی، در خلال سفرهای شغلی
س135. من کارمند یکی از ادارات دولتی شهر هستم. فاصله بین محل کار و محل سکونت حدود سی و پنج کیلومتر است که هر روز این مسیر را برای رسیدن به محل کار طی می کنم. اگر برای کار خاصی قصد کنم چند شب در شهر بمانم، نمازم چه حکمی دارد؟ آیا واجب است نماز را تمام بخوانم یا خیر؟ به عنوان مثال هنگامی که در روز جمعه برای زیارت اقوام به شهر سمنان مسافرت می کنم، آیا واجب است نمازم را تمام بخوانم یا خیر؟

ج) اگر مسافرت به خاطر کار نباشد، حکم سفر شغلی را ندارد، ولی اگر سفر به خاطر شغلی که در محل کار دارید، باشد و در ضمن آن، اعمال خاصی از قبیل دیدن اقوام و دوستان را هم انجام می دهید و گاهی یک یا چند شب هم در آن جا می مانید، باعث تغییر حکم سفر شغلی نمی شود و نماز تمام و روزه صحیح است.

س136. اگر من در محل کارم پس از پایان وقت اداری و انجام کارهای اداری که به خاطر آن مسافرت کرده ام، به انجام کارهای شخصی بپردازم. مثلاً از ساعت هفت صبح تا دو بعد از ظهر کارهای اداری را انجام دهم و از آن به بعد مشغول انجام کارهای شخصی شوم، نماز و روزه ام چه حکمی دارد؟
ج) انجام کارهای خصوصی در سفر شغلی اداری بعد از پایان کار اداری، حکم سفر شغلی را تغییر نمی دهد.

س137. کسانی که بین محل کارشان و محل سکونتشان کمتر از مسافت شرعی است، مثلاً کسی که اهل تهران است و برای مدتی در ارتباط با شغلش، برای کار در بوشهر منزل گرفته است و در 15 کیلومتری آن، محل کارش است و هر روز این مسافت را تردد دارد، حکم نماز آنان چگونه است؟

ج) در غیر سفر اول (و دوم در ابتدای کار) سفر شغلی محسوب می شود و در محل سکونت، محل کار و بین آن دو، نماز تمام است.

س138. اگر پس از بازگشت به وطن یا شهر دیگر (بدون ماندن ده روز) که به بوشهر برمی گردد، یکی دو روز زودتر می رود به محل سکونت خود، حکم چگونه است؟
ج) آن هم سفر شغلی محسوب می شود.

س139. شخصی که هر ده روز یک سفر شغلی دارد، به مدت 15 روز سفر شغلی انجام نداده است اما سفرهای زیارتی داشته و ده روز در یک محل نبوده است آیا وقتی سفرهای شغلی او شروع می شود، نماز او کامل است؟
ج) در فرض مرقوم نمازهای او در سفرهای شغلی بعد، تمام و روزه های او صحیح است.

س140. بنده در شهر جدید پرند (در 40 کیلومتری شهر تهران) ساکن هستم و هر روز برای کار به تهران می آیم و دارای شغل اداری هستم فلذا بر اساس فتوای حضرتعالی دائم السفر بوده و در تهران باید نمازم را کامل به جا آورم. حال از سوی اداره متبوع به مأموریتی اعزام شده ام که دارای ماهیت غیراداری بوده (مثلاً امنیتی - حفاظتی) و مدت آن کمتر از ده روز می باشد.

1. در فرض ذکر شده نمازهای بنده کامل خواهد بود یا شکسته؟

2. نمازهای قبلی که با فتوای شما همخوانی نداشته باشد یعنی فردی برخلاف آن عمل کرده باشد، چگونه خواهد بود؟

ج) با فرض این که مأموریت مذکور در راستای شغل اداری شما بوده، نمازتان کامل بوده است و چنانچه شکسته خوانده اید، نمازهای چهار رکعتی را قضا کنید.

س141. شخصی ساکن منطقه معینی است. در منطقه دیگری به فاصله بیش از پنجاه کیلومتر به مدت دو ماه کاری برای او پیش آمده، به این صورت که یک هفته کار می کند و یک هفته تعطیل است. حکم نمازش چیست؟

ج) برای مدت کمتر از دو ماه کار در یک سال و یا در کل سال، صدق کار مشکل است. ملاک در ترتب حکم سفر شغلی این است که آن کار در نظر عرف برایش شغل محسوب شود. بنابراین اگر کارش عرفاً شغل او به حساب آید، از سفر سوم کاری، در هنگام رفت و برگشت و در محل کار، نمازش تمام است، به شرط آن که در مدت سفر شغلی، ده روز در یک جا مقیم نشود.

س142. کسی که شغل او در سفر است، اگر بین دو سفر شغلی بیش از ده روز فاصله بیفتد ولی تمام این مدت (فاصله افتاده) را در وطن یا محل اقامتش مستقر نبوده، بلکه در ضمن آن برای سفر غیر شغلی به اندازه مسافت شرعی یا کمتر از آن خارج شده، حکمش چیست؟
(ج) در فرض مذکور، فاصله افتادن بین دو سفر شغلی محقق نشده است.

س143. اگر در زمان مرخصی به مسافرت (مثلاً قم یا مشهد) بروم هنگام برگشت به وطن در بین مسیر تکلیف نماز چیست؟
(ج) در سفر برای مرخصی و بین راه نماز شکسته است لکن اگر از آنجا برای کار به وطن می‌آیید که فردای آن روز سر کار بروید در بین راه (اگر در محل مرخصی ده روز در يك محل نمانده باشید) نماز تمام است.

نماز و روزه در سفرهای تحصیلی

س 144. دانشجویانی که هر هفته حداقل دو روز برای تحصیل مسافرت می کنند و یا کارمندانی که هر هفته برای کارشان سفر می کنند، چه حکمی دارند؟

با توجه به این که آن ها هر هفته مسافرت می نمایند، ولی امکان دارد به خاطر تعطیلی دانشگاه یا کارشان به مدت یک ماه در وطن اصلی خود بمانند و در خلال آن مدت مسافرتی نمی کنند، آیا بعد از گذشت یک ماه که سفر خود را دوباره آغاز می کنند، نمازشان در سفر اول طبق قاعده شکسته و بعد از آن تمام است؟

ج) در سفر برای تحصیل می توانند با مراعات شرایط به فتوای مجتهد دیگر رجوع کنند و در صورت عدم رجوع، مقتضای احتیاط، جمع است اعم از این که سفرشان هفتگی باشد یا روزانه. ولی کسی که برای کار آزاد یا اداری، مسافرت می کند، اگر بین وطن یا محل سکونت و محل کارش هر ده روز حداقل یک مرتبه رفت و آمد نماید، باید از سفر سوم به بعد نماز خود را تمام بخواند و روزه او هم صحیح است، و اگر بین دو سفری که برای کار کردن می رود، ده روز در وطن یا جای دیگری بماند، در سفر اولی که بعد از اقامت ده روزه برای کار کردن می رود، نمازش شکسته است و نمی تواند روزه بگیرد.

س 145. دبیر شاغل در شهرستان رفسنجان می باشم با توجه به پذیرفته شدن در مرکز عالی ضمن خدمت و مأموریت به تحصیلی آموزش و پرورش، سه روز ابتدای هفته را در شهرستان کرمان اشتغال به تحصیل دارم و بقیه ایام هفته را در شهرستان خود به خدمت مشغولم، نظر حضرت عالی در مورد احکام نماز و روزه اینجانب چه می باشد، آیا حکم دانشجوی بودن بر ما جاری است یا خیر؟

ج) اگر مأمور به تحصیل هستید، نماز شما تمام و روزه صحیح است.

س 146. دانشجویی خانه ای را در شهر تبریز برای تحصیل در دانشگاه آن به مدت چهار سال اجاره کرده است، همچنین وی در صورت امکان، قصد ماندن دائمی در تبریز را دارد، در حال حاضر در ایام ماه مبارک رمضان گاهی به وطن اصلی اش رفت و آمد می کند، آیا آن دو مکان، برای او دو وطن محسوب می شوند؟

ج) اگر در حال حاضر قصد قطعی بر توطن در محل تحصیل نداشته باشد، آن جا حکم وطن را برای او نخواهد داشت. مگر آن که بخواهد هفت هشت سال به قصد زندگی در آنجا بماند ولی حکم وطن بودن وطن اصلی او تا زمانی که از آن اعراض نکرده، نسبت به وی باقی است.

س 147. یکی از عزیزان و دوستان در مبحث روزه از یکی از مراجع تقلید می کند و روزه خود را در محل تحصیلش می گیرد اما در امر نماز از شما تقلید می کند و نمازش را شکسته می خواند آیا این گونه درست است یا نه؟

ج) رجوع به مجتهد جامع الشرایطی که نماز و روزه را در سفر تحصیلی تمام و صحیح میدانند اشکال ندارد، ولی تبعیض در این مسأله بین نماز و روزه درست نیست.

س 148. من در شهری غیر از وطن خود به طور همزمان مشغول به تحصیل و تدریس هستم، ضمناً مسئول قسمتی از دانشگاه نیز می باشم و بابت هر دو کار، حقوق دریافت می کنم. آیا باید نمازم را کامل بخوانم یا شکسته؟

ج) اگر سفر برای تدریس یا شغل دیگری باشد، و در کمتر از ده روز حداقل یکبار انجام شود از سفر سوم به بعد نماز تمام است هر چند در این سفر به تحصیل هم بپردازید.

سفر معصیت

س149. اگر انسان بداند در سفری که می خواهد برود، مرتکب معاصی و محرّمات خواهد شد، آیا نمازش شکسته است یا تمام؟
(ج) مادامی که سفر او به خاطر ترک واجب یا فعل حرامی نباشد، نماز او مانند سایر مسافران شکسته است.

س150. کسی که بدون قصد معصیت مسافرت کند، ولی در بین راه برای ادامه و تکمیل سفر قصد ارتکاب معصیت نماید، آیا نمازش را باید تمام بخواند یا شکسته؟ آیا نمازهای شکسته ای که در طول راه خوانده، صحیح است یا خیر؟
(ج) واجب است از زمانی که قصد استمرار سفر به خاطر معصیت کرده، نمازش را تمام بخواند و نمازهایی را که پس از تصمیم به ادامه سفر به قصد ارتکاب گناه، شکسته خوانده، باید اعاده کند و تمام بخواند.

س151. سفر برای تفریح یا خرید مایحتاج زندگی با فرض فراهم نبودن مکانی برای نماز و مقدمات آن در مسافرت، چه حکمی دارد؟

(ج) اگر بداند که در مسافرت مبتلا به ترک بعضی از واجبات نماز می شود، احوط این است که به آن سفر نرود، مگر آن که ترک آن برای او ضرر یا مشقت داشته باشد. در هر صورت جایز نیست نماز را در هیچ حالی ترک نماید.

س152. اگر کسی از خودرو بیت المال در سفر غیر اداری استفاده کند، با توجه به اینکه مرکب غصبی می باشد تکلیف نماز او در این سفر چگونه می باشد؟
(ج) در فرض سؤال، وسیله نقلیه تأثیری در نماز او ندارد.

س153. با توجه به وجوب ارتباط زناشویی مرد با زوجه اش در حداقل چهار ماه، در صورت عدم رضایت زوجه در سفر بیش از چهار ماه زوج، آیا زوج در انجام دادن این سفر دچار معصیت شده است یا خیر؟
(ج) در صورت لزوم سفر اخذ رضایت از زوجه واجب نیست ولی اگر سفر ضرورت ندارد ولو عرفاً، احتیاط این است که حق زوجه مراعات شود.

نماز و روزه در اماکن تخییر

محدوده اماکن تخییر نماز

س154. محدوده حریم اماکن تخییر (مکه، مدینه، کربلا، کوفه) که مسافر می‌تواند در آنها نماز را کامل بخواند چه قدر است؟ مشخص بفرمایید.

ج) در تمام دو شهر مکه معظمه و مدینه منوره فعلی و همچنین در مسجد کوفه و حائر حسینی حکم تخییر بین قصر و اتمام برای مسافر جاری است.

س155. نماز مسافر در حرم امام حسین (ع) در چه محدوده مخیر بین قصر و اتمام است؟

ج) تمام روزه شریفه داخل حرم را که از طرف بالای سر و پایین پا منتهی به پنجره‌ها و درها و رواق می‌شود از طرف پشت سر تا مسجد امتداد دارد، شامل می‌شود.

س156. حکم نماز در کربلا (داخل صحن شریف) از نظر شکسته یا کامل خواندن چیست؟

ج) نماز داخل صحن شریف برای مسافر شکسته است.

روزه در اماکن چهارگانه

س157. در اماکنی که نمازگزار بین کامل و شکسته خواندن نماز مخیر است همچون مسجدالحرام و مسجدالنبی (ص) و حائر حسینی (ع) و مسجد کوفه، اگر کسی کمتر از ده روز بماند، آیا بدون قصد ده روز جایز است روزه بگیرد؟

ج) حکم تخییر در اماکن چهارگانه اختصاص به نماز دارد؛ و روزه‌ی مسافری که قصد اقامت ده روز نکرده، صحیح نیست.

س158. آیا در مدت پنج یا شش روزی که در مکه هستم می‌توانم روزه بگیرم؟ حکم آن در مدینه چیست؟

ج) اقوی عدم جواز روزه مستحبی در سفر است، مگر در موارد معین، که از جمله آن سه روز روزه گرفتن برای برآورده شدن حاجت در مدینه است؛ و احتیاط مستحب آن است که در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیرد؛ و مادامی که قصد اقامت ده روز نکرده باشد، روزه ماه رمضان صحیح نیست.

احکام تخییر

س159. در اماکنی که بین شکسته و کامل خواندن نماز مخیرند، آیا بهتر است که مکلف نمازش را شکسته بخواند یا کامل؟
ج) تمام خواندن، افضل است.

س160. آیا به نظر حضرتعالی تخییر در اماکن اربعه ابتدایی است یا استمراری؟

ج) استمراری است.

س161. کسی که در اماکن تخییر نماز چهار رکعتی از او فوت شده، بنابر قاعده «هرطور فوت شده قضا کن» آیا بین شکسته یا کامل قضا کردن مخیر است؛ یا واجب است به صورت شکسته قضا کند؟

ج) اگر قضای آن را در اماکن تخییر به جا آورد، بین شکسته و کامل خواندن مخیر است؛ ولی در غیر اماکن تخییر، احتیاط واجب آن است که شکسته قضا کند.

شرکت مسافر در نماز جمعه

س 162. آیا شرکت مسافر در نماز جمعه افضل است؟
(ج) شرکت در نماز برای او افضل است.

س 163. اگر مسافر باشم و نماز جمعه اقامه شود، حکم نماز چیست، آیا نماز جمعه نیت کنم یا نماز ظهر؟
(ج) بین نماز جمعه و نماز ظهر مخیّرید ؛ و نماز جمعه کفایت (از نماز ظهر) می کند، هر چند مسافر باشید.

اعتکاف در سفر

س164. آیا می‌توان برای شرکت در مراسم اعتکاف به شهر دیگری که بیش از چهار فرسخ با ما فاصله دارد مسافرت کرد و اعتکاف در صورت سفر صحیح است؟
ج) اگر قصد اقامت ده روز و یا نذر روزه در سفر - که بنا بر احتیاط قبل از سفر باید نذر شود - نباشد، روزه در سفر صحیح نیست و با عدم صحّت روزه، اعتکاف هم صحیح نیست.

س165. اگر کسی بخواهد در خارج از شهر خود اعتکاف کند به‌طور مثال در مکه مکرمه و از ساکنین مکه نباشد و قصد ده روز هم نکند، آیا نذر کافی است؟ و صیغه آن چیست؟
ج) نذر روزه در سفر مانعی ندارد و با این نذر روزه و اعتکاف صحیح است، ولی احتیاط آن است که نذر قبل از شروع مسافرت باشد و صیغه آن عبارت است از: «الله علیّ أن اصوم فی سفری إلی کذا».

مسائل متفرقه

س 166. با توجه به موقعیت فعلی آیا سفر به کربلای معلّی جهت زیارت مرقد مطهر سید الشهداء (علیه السلام) به صورت غیرقانونی توسط مرز نشینان با پرداخت مبلغی به آنان چه حکمی دارد؟

ج) خروج از کشور بدون اجازه دولت جمهوری اسلامی جایز نیست.

س 167. نظر و حکم معظم له در مورد زیارت عراق با وجود خطرهای جاری در این کشور چیست؟

ج) مقررات دولت مقصد و مبدأ در سفرها باید رعایت شود.